

پیام مشترک بمناسبت اول ماه مه

جنگ کارگری در سال ۶۵

سال گذشته برای طبقه کارگران ایران دشوارترین سال طی سالین اخیر بود. کارگران در حالیکه سطح بسیار نا ارام دستمزدها و محرومیت های حقوقی دیگر به شدت رنج می بردند، با شروع سال ۶۵ مغلط بیسابقه ای مواجه شدند و آن تعطیل شما را قبل ملاحظه ای و اوجدهای تولیدی و اخراج وسیع کارگران بود. این مغلط چنان حا دوتنگرانی و ورشکده عملیات مغلط لیبات مبرم کارگران از قبیل افزایش دستمزد، حق تشکیل صنفی مستقل و قانون کار مترقی را تحت الشعاع قرار داد. در یکسال گذشته طبقه کارگران ایران زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی، به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ادامه داد. اما در جنگ، با خرید و اخراج وسیع کارگران، تشدید شرایط ناخوشایند کار، اعزام جباری به جبهه ها و سرکوب پلیسی حرکات اعتراضی توده ای، مبارزه کارگران را در عرصه های زیر به همراه داشت:

به چه قیمتی؟

در نیمه شعبان، خمینی یکبار دیگر برادار همه جنگ کشف فرمان داد. او که برای بارهای از مقامات ریز و درشت رژیم سخنرا می میکرد، بار دیگر برادار همه جنگ پای فشرده به مخالفان آن با شدت تمام حمله نمود. شدت حملات خمینی علیه مخالفان تنگ نشانه آن است که جنبش ملج روز بروز ضعیف تر و منسب می شود. برای آنکه جنبش ملج نیرومندتر گردد باید ابتدا دفاع همه ارادیه جنگ و دست جنایت جنگ طلبان در همه زمینه ها بیشتر شناخته شده شود. در این راستا به گوشه های از بی ادبانه های اقتصادی، احصای عیبی فاجعه جنگی توانا می کنیم. حقایق که مدلل می کند که مردم و میهن ما در قبال ارادیه جنگ، چه بهیاسی گزافی می بردارند.

بیش از هفت سال و نیم است که جنگ ارتجاعی ایران و عراق ارادیه دارد. این جنگ که در آن کشتار رهنمای دسته جمعی و وحشیانه هر روز و هر ساعت ارادیه دارد با هزینه های سرسام آور و بی ضرکتترین غارتگری هیا همراه است. جنگ چقدر هزینه دار دارد؟ بول ارادیه آن از میلیونها دلار است. جنگ چقدر هزینه دار دارد؟ بول ارادیه آن از میلیونها دلار است. جنگ چقدر هزینه دار دارد؟ بول ارادیه آن از میلیونها دلار است. جنگ چقدر هزینه دار دارد؟ بول ارادیه آن از میلیونها دلار است.

نظام مالیاتی غارتگرانه رژیم

همه ساله با طرح بحث های بودجه سالانه دولت در مجلس، سردمداران رژیم مطلق معمول با شعاع غارت تا مین مناقع "مستضعفان"؟! در حقیقت طرح غارت دسترنج زحمتکشان را به مجلس می آورند. نمایندگان مجلس اسلامی نیز در حالی که اکثر تصاح برای حقوق "مستضعفان"؟! می بریزند، سند غارت را تصویب می نمایند. آنها از می دهند که میلیاردها ریال حاصل دسترنج کارگران و دهقانان به جیب دولت و با نام بودجه سالانه به جیب مشتکی سرمایه دار و ملاک و آخوند سران بریزد.

آقای بازرگان و حکایت "سویاب اطمینان"

آقای بازرگان و "نهفت آزادی" ایشان با بی روزها سخت در تلاش و تگایا بودند. اعلامیه ها، شگوا تیه ها و کتابهای ایشان مدام منتشر می شود. فی الواقع، سرکوب خونین کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی و ظلمت استبداد ولایت فقیه، شب پره را "باز یگر" میدان کرده است. آقایان در باره "آزادی" قلفقوسا بی وسخن برداری می کنند و در نظر مردم غمخوردار، طرفدار سرسخت آزادی و حق حاکمیت ملت ایران به معرفی می کنند و این همه ادعا در حاکمیت که آنان به وفاداری خود به رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی می باشند و خود را دعا ن دارند که عدم سرکوب شدن چیزی جز یادش خدمات شان به رژیم خمینی نیست. آقای بازرگان و "نهفت" شان نان خوینا وندی با رژیم خمینی و سازشکاری در قبال مردم کشی های آن را می خوردند.

از مبارزات کارگران نفت جنوب

Table with 2 columns: Action/Group and Page/Issue. Includes items like 'گسترده باد مبارزه انقلابی معلمان' (Page 10), 'پیام احزاب برادر و سازمانهای مترقی' (Page 10), 'کمیته های مردمی و انقلاب ما' (Page 10).

مجلس بودیداران رژیم مطلق معمول با شعاع غارت تا مین مناقع "مستضعفان"؟! در حقیقت طرح غارت دسترنج زحمتکشان را به مجلس می آورند. نمایندگان مجلس اسلامی نیز در حالی که اکثر تصاح برای حقوق "مستضعفان"؟! می بریزند، سند غارت را تصویب می نمایند. آنها از می دهند که میلیاردها ریال حاصل دسترنج کارگران و دهقانان به جیب دولت و با نام بودجه سالانه به جیب مشتکی سرمایه دار و ملاک و آخوند سران بریزد.

در این شماره

- از کردستان قهرمان ۲ در صفحه
گرامی داشت هفتاد و نین سالگرد تشکیل حزب عدالت ایران ۲ در صفحه
نهمین سالگرد انقلاب نور گرامی باد ۱۱ در صفحه

امنیست شغلی و نیز بیمه بیکاری، قانون کار دموکراتیک، قانون تامین اجتماعی، برخورداری از تشکیل صنفی مستقل و انحلال انجمن های اسلامی از جمله خواست های مهم کارگران بود.

تعطیل بسیاری از واحدهای مهم و با خرید و اخراج توده ای کارگران، نظامی کردن خط تولید، تسخیر زیاد ای زواحدهای صنعتی کشور، افزایش سهمیه اعزام اجباری کارگران نا غل به جبهه، تشدید شرایط پلیسی در محیط های کار و حذف بخشی از حقوق و مزایای شغلی کارگران، محرومیت اصلی سیاست های فدکا رگری رژیم در یکساله اخیر بود. این اقدامات با تدوین لایحه جدید قانون کار اسلامی، لایحه بیمه بیکاری، و لایحه بازنشکونی و طرح با خرید کارگران و شنلی باغات عوام مغربیا نه در دفاع از حقوق و منافع کارگران همراه بود.

سیاست های فدکا رگری رژیم در سال گذشته اساسا در راستای اجرای "سیاست نوین اقتصاد دی" و "ضرورت کم کردن نان خور ها" طراحی شد. نتایج عملی ایس سیاست و وضعیت جنبش کارگری میهن ما را در یکساله اخیر در عرصه های زیر میتوان نشان داد:

اما در جنگ موجب تشدید بحران اقتصادی، رکود تولید و نظامی شدن خط تولید در بخش مهمی از واحدهای صنعتی کشور شد. در کارخانه های ایران خود رو تولیدات توبوس و مینی بوس قطع شد و تولید خمیای ره جای آنرا گرفت. کارخانها به موتوژن تیریز که با حداقل ظرفیت کار می کرد دروا خرسا له غبه خاطر نبود مواد اولیه به حال تعطیل درآمد. کارخانهای توشییا و فرنی لاسیتیکی کیلان تعطیل شدند. تولید کارخانهای بیستون سازی تیریز در سال ۶۵ به ۵۰ درصد کاهش یافت. تولید کارخانهای تیریز به ۴۰ درصد رسید. کارخانها به سا زنده انوا عیا کت های کاغذی تعطیل شد. کارخانهای بریجستون، آزما بیش شیراز و اجدول تولیدی بیک و یک دشت مرغاب در آستانه تعطیل کامل قرار گرفتند. قسمت ریخته گری بیستون سازی تیریز تعطیل شد. کارخانها بران و کارخانجات تولید و فن بنای، شرکت طیف ایران و رو بسندگی و با فن دگی شاهسندج تعطیل شدند. ما شین سازی تیریز، قسمت دیژا ما تیک (موتور بن)

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در صفحه ۱۱

برای دستیابی مشترک به حقیقت در صفحه ۶

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان

به چه قیمتی؟
 یک خانه مناسب ساخت. تا زاده این رقم متعلق به پیش از یک سال ونیم پیش است طی این مدت ادا مه جنگ و سبزه به مباران بی دردی موسسات اقتصادی و منازل سکونی، صادرات اقتصاد را به صلح قابل توجهی افزایش داده است. همبستر این خسارت انسانسی یعنی صدها هزار گشته و صدها هزار زخمی و معلول و تلف شدنی نیروی کامیونی بر این گشته که نه جبران بذر است و نه قیمتی بر آن متصور است.

هزینه های سرمایه و جنگ ویرانگری پر دوش کیست؟
 بنا بر آمار رسمی دولتی، نقدینگی بخش خصوصی (یعنی پول های نقدی که در دست سرمایه داران و متفخروها و انگلیس است) حدود ۲۶۰ میلیارد تومان در سال ۵۷، به ۱۵۰۰ میلیارد تومان در سال ۶۵ رسیده است یعنی این زانلوی خون آشام در تمام طول ساله جنگ مشغول پروا بردن بوده اند. مخارج هنگفت جنگ را آنها نپرداخته اند. این هزینه ها از چگونگی زحمتکاران و غارت منابع و ثروت های ملی مابعد دست آمده است.

رژیم فدا خلقی خمینی برای تامین مخارج عظیم جنگ به پشتیبانی ازبزرگان و سرمایه داران روز فشا بر سرکارگران و زحمتکاران میهن ما را تشدید میکند. کاهش شدید بهای نفت با عت شده است که رژیم فشا ر مستقیم بر توده مردم را با زهمین افزایش میدهد. سال گذشته رژیم با شعار "سخت کردن کمربندها" و "صرفه جویی بیشتر به میدان آمد. اما سال نیز وضع چنین است و حتی بدتر. مسئولین ریزدوش رژیم با بی اعلام می کنند که از ان مردم خوا هند ریدولیم از مخارج جنگ در دهی نخواهنگناست. با کاهش بهای نفت، رژیم با ملیت گیری رانشدید کرده و از این طریق تا ن راه آز سفره مردم می پر با بدویه کبیسه کمیانی های اسلحه سازی آمریکا بی و اروپایی می پرزد. اکنون ما ملیت ها رقم عده بودجه رژیم و هزینه ادا صحت ران تکسید می دهند. طی چند سال ملیت گیری چند بر ا برنده است. در حالیکه در سال ۵۶، ملیت ها تنها ۱۹ درصد درآمد عمومی را تشکیل می داد. این رقم در سال گذشته به ۵۶٪ رسیده و سال قرار است به ۷۲٪ برسد. رژیم خمینی قصد دارد سال ۱۱۳ میلیارد تومان (یعنی

حدود ۳۰۰ میلیارد تومان) از مردم ما لیا بگیرد. تبلیغات رژیم در مورد ادا اینکه این ملیت ها را از سرمایه داران خوا هدر گرفت، دروغ بیشتر است. با رتما ی این ملیت ها نیز بردوش توده مردم است. سرمایه داران به اشکال مختلف از زیر بار ملیت فرار می کنند و رژیم نیز این راه فرار را با زیر بار گذاری، تا زه گریزی هم از سرمایه داران بگیرند، سرمایه داران را بیدرتنگ چندان بر آبر و آرزب مردم بیرون می کشند، مگر سرمایه داران از کجا می آورند. جزده آرزو به پیره کشی و آرزو به جیب زدن پول های نفت؟ در سال ۶۴ ۵۷ میلیارد تومان ملیت دریافتی توسط دولت، سهم سرمایه داران فقط ۵۴ میلیارد تومان بوده است، یعنی کمتر از ۳٪. در کنگنا ر ا خذ ملیت های گمرشکن، رژیم به عنوان "کمیته بهیسه" نیز جیب مردم را به زور خالی می کند و از حقوق دستمزد هتا نگران آشکارا می زدد و در تنور جنگ می پرزد. بخش اعظم درآمد نفت نیز صرف ادا مه جنگ می شود. درآمد حاصل از فروش نفت ا سال تنها حدود ۵۴ میلیارد دلار پیش بینی شده است. پیش ازینمی از این درآمد فقط صرف خرید اسلحه می شود. روزتا مه انگلیسی کار دین ما گذشته نوشت، رژیم خمینی هر ساله ۴ میلیارد دلار اسلحه از طریق یک شرکت واقع در لندن می خرد. این تنها بخشی از خرید های تسلیحاتی رژیم است.

صرف هزینه های هنگفت برای جنگ، باعث وخامت روزان فزون زندگی زحمتکاران و ویرانی وانهدام اقتصاد کشور شده است. کمبودگرانی پیدا نمی کند. قیامت با بطور مسا می روی با لامی رود، کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم در بازار پیدا نمی شود. تجار و روشکبه گسترده متحرکان، مقامات دولتی و روحانی و متفخروان یا احتیاج روا بجای ا راسیه، زحمتکاران را وحشیانده غارت می کنند و بر ثروت های بی حساب خود می افزایند. در حالیکه نهاداری روزافزون است، رژیم به دلیل بحران مالی و ادا مه جنگ ازتانیتم، با احتیاج مردم سر با می زند و کارخانجات و صنایع موجود را نیز یکی پس از دیگری تعطیل کرده و کارگران را به بیگانه ها می پرزد. اکنون حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد نیروی فعال کار و بطور آشکارا بیگانه کار میکار هستند. رژیم علیرغم تمامی فشارهای کبر زحمتکاران

و ارمی آورد، قادر به تامین هزینه های جنگی نیست. بحران اقتصادی و مالی آن را فرا گرفته و از این رو با زهم بیرحمانه ترا زبیش سر غارت مردم می فرزاید. برای مقابله با این اوضاع نا بسامانی سردمداران رژیم به فکر "طرح نون اقتصاد" افتاده اند. این طرح نقشه ای برای فلاکت و فشر بیشتر مردم است. آنها می خوا هندیخا طرا اده جنگ شرایط با زهم سختتری را به مردم تحمیل کنند. تا مین نیابا زهمی، معیشتی را به حد قابل برسانند، "الگوی معرنا را چنان تغییر دهند که مردم را به خوردن "نان خشک" عادت دهند و تا جایی که می توانند "نان خورده" را کم و کارگران ر زحمتکاران بیشتر را بیگار کنند. ادا مه جنگ روزهای تلخی را بر مردم میهن مسا تحمیل کرده است. روزهای گشتار و گرسنگی و بیگاری. گرسنگی و قطع قووی جنگ و سرنوشتی این رژیم متحدان نسبه بسا نخیزیم این مصیبت ها را با یانی نیست. این رژیم آماده است تا آخرین نفروا خرین دینار را رای این کشور را برای امارتجایی و تولید خود فدا کند.

زمین اژدان کسانی است که روی آن کار می کنند
 دهقانان زحمتکش اراضی کشت موقت ا طرح وا گذاری اراضی کشت موقت یک طرح ضد دهقانان است. رژیم می خوا هدیخی از زمین هایبان را از شما بگیرد و بخی دیگر را به شما بفروشد. زمین مال شماست، کسی حق ندارد آن را از شما بگیرد و با بی آن بولی از شما بخواهد. از برداخت بول با بی زمین ها خودداری کنید. یک وجب از زمین ها را به مالک پس ندهید. سند مالکیت زمین با بی بدون هیچ قید و شرطی بنا شما ما در شود. مردم را برای توطئه رژیم نیت استادگی کنید. متحد شوید، شکل های انقلابی خود را بوجود آورید. به رهنمودهای فداییان خلق عمل کنید. خمینی دربار بر ما زه متحدان شما هیچ غلطی نمیتواند بکند.
 سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

آقای بازرگان و حکایت...
 باقیه از صفحه اول
 امروزان واقعیتی آشکار است که همه مردم آگاه و آرزاده دنیا رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یکی از خونخوارترین، درنده ترین و آزادی کش ترین رژیم های جهان معاصر می شناسند. تقریبا همه سا زمانیا و بنا دهای سیاسی لامللی و ملحدت و هر یک بطرقی سندی در محکومیت رژیم خمینی به دلیل نقض فاحش و آشکارا استادی ترین حقوق بشری ما در کرده اند. اکنون نرد مردم جهان رژیم خمینی در اسامثلشی قرار دارند که دوعضو دیگر آن رژیم پنبوشه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی تشکیل می دهند. آیا برای مردم ما تعجب آورنده شده و نیست که آقای بازرگان و "نهفت" ایشان با تاشید چنین رژیمی می خوا هندیعلم "آزادی خواهی را به کف گیرند؟

بازرگان در یکی از مصاحبه های خود می گوید:
 "با توجه به تسلطی (حکومتیان) دارند و با توجه عدم آزادی مطبوعات و ممنوعیت گرد هم آییسی و فعالیت های اجتماعی دیگر، هیچگونه آبروسوییسی نمیتواند فعالیت داشته باشد و اگر می بینید که جز ما هنوز وجود دارد... شاید آن دلیل است که ما صمیمانه به رژیم وفاداریم" (مصاحبه بازرگان با خبرنگاران فرانسوی - بهمن ۶۴).

این اولین و آخرین بار نیست که بازرگان وفاداری صمیمانه خود به رژیم خمینی را با صدای بلند اعراف می کند. وفاداری بازرگان و همکاران او به رژیم سروای خمینی نه صرفا از سر مصلحت اندیشی و فرمت طلبی، بلکه قبل از هر چیز با طری منافع طبقاتی و اعتقادات مذهبی آنها است. آقای بازرگان خود ساله علیه کمونیت ما و در راه "حکومت اسلامی" مبارزه کرده و خود را از متولیان این نظام مبدوده است. در قطعا به کنگره پنجم نهفت آزادی مریحما گفته شد: "نهفت آزادی همواره معتقد به آمریست دین و احکام خدا بر حکومت و سیاست بوده و با تفکیک دیانت از سیاست... مبارزه کرده است" آقسیسای بازرگان نیز مثل خمینی به اصطلاح "اصول عالییه اسلام" و "وحدت جها ن مسلمانی" را به مناب به اصولی برنامه و خود ذکر کرده و هدف ایده آل خود را "حکومت و فعالیت الهی بر طبق الگوی حضرت خمینی مرتضی و شاه ولایت" اعلام کرده است. (کتاب انقلاب اسلامی در دو حرکت صفحه ۱۹۶) آقای بازرگان نیز از سردمداران جنون فشا گرگی و فدا کمونیتی است و مارکسیسم و مارکسیست ها را "شیطان اکبر" می داند. او نیز مثل خمینی کارگرسنیز و مدافع منافع سرمایه داران و تجار و رکنگراست، و خواه شریک بازرگان با خمینی دهها بار بیشتر از زوجوا خلاف آنان است و از همین روست که "نهفت آزادی طرفدار دلسوز و مدافع نظام جمهوری اسلامی است" (قطعا به کنگره پنجم) آنها "احترام به مقام رهبری" را یکی از اصول بر ما خود قرار داده اند. همواره تا کید کرده اند که هرگز قصد "تضعیف رهبری و جبهه ها" را نداشته اند و ندارند.

اصول قانون اساسی و باز کردن سوپا های اطمینان بیمنزله ای با مکاناتی است که آشکارا و کرمویها و صنعتی جمهوری اسلامی (منظور خود با زرگان و دا رودستان) بتوا نندهم رنجا و دردها و ناراحتیهای مردم را بگنجد و هم درمات ووظیف شرکست و همکاری می باشد... (بیکار) هم دولت مردان و صادق نا آگاه را بخود می آورد هم مردم با مشاهده امکان بیان رنجا و دردها و چاره رهیسی های شان کمی آرامش پیدا کرده و از پناه بردن به ا دروی دشمنان ایران و اسلام خودداری می نمایند" (نشریه "بیک نهفت" شماره ۲) زیرا "اگر مردم احساس کنند که امنیت و آزادی ندا رند... لاجرم احتمالا عصیان و شنجانی وجود خواهد داشت. نه دولت مردان را خود بخود و نه مردم را خوش آئیند یا شد" (بیک نهفت شماره ۲۸) جوهر حرف بازرگان و شر کای و در همین است:
 "با بی سوپا های اطمینان در دست بردن ما "عصیان و شنجانی" صورت نگیرد. با بی بنیسه بریدتا مردم بطرف کمونیت ما و دیگر نیروهای مترقی روئیا و رند جمهوری اسلامی استرا می اید. شک نیست که مردم ما به آزادی نیا ز دارند. شک نیست که همه نیروهای ترقی خواه با بی دروا این آماج بیگار گنوه. اما چگونه؟ مردم و نیروهای انقلابی و مبارز برای تامین صلح و آزادی را می جز نبرد علیه رژیم خمینی نمی بینند و تا بین آزادی را در گروان بودی این رژیم می دانند. کسانی چومون بازرگان که زیر علم "آزادی" یا بیگیری دنبال بسا ز و تریزن رژیم ولایت فقیه هستند از روز به دقت وسیله بهره برداری استبداد حاکم هستند. آقای بازرگان در حالی استفاده از "سوپا های اطمینان" را به رژیم توصیه می کند که رژیم خود مدتهاست روی فعالیت ایشان به مشایه یک "سوپا اطمینان" حساب با ز کرده است. واقعیت ایست که "نهفت" آقای بازرگان بسیار رحایل است که امروز نفش "سوپا اطمینان" را برای رژیم ایفا کند و توصیه "سوپا اطمینان" به رژیم نیز از نظر نهفتی ها چنین معادل توصیه خودشان است. سیاست آقای بازرگان برای تامین "آزادی" از راه تعبیر "سوپا اطمینان" یک عوام فریبی بسیار خنده و راست اما جنبه مضحک آن همه جا وهمیشه صادق نیست. آنجا که نا آگاهی وجود داشته باشد چه بسا سیاست "سوپا اطمینان" هم جماعتی را به خود مشغول کند. تاریخ اشیا تکر کرده است که هسر قدر استبداد دیشتر و مردم ارزیمیشتر مستفر با شند خرد مردم فریبی مردم فریبان هم از فزونتر می شود. امروز افشا این سیاست های در ظا هسر آزاد دیا خواهان و در عمل خدمتکار رژیم مزد توده های مردم آگاه کردن توده ها به محتوای طبقاتی و انگیزه سیاسی این سیاستها و نشان دادن راه واقعی تامین خواسته های یک وظیفه درنگ تا پذیر است.

بازرگان و شرکای مردم فریب و که مدافعان وفادار و مدافعان و دلسوز نظام جمهوری اسلامی هستند، همواره مردم زحمتکش علیه رژیم خمینی را قاطعانه محکوم کرده و به ویژه سرکوب کمونیت ها یعنی بهترین فرزندان کارگران و زحمتکاران را با کمال صراحت و قاطعیت تا شاید می کشند و ظاهرا همین جنون فشا گرگی و فدا کمونیتی خویش با سدا ران خویش رژیم را به جهت سرکوب کمونیت ها و دیگر نیروهای مترقی مدعوت می گویند. بازرگان معتقد است که عدا انقلاب در راستا نه انقلاب نر رژیم شاه و وابستان او بلکه کمونیت ما بوده اند و به راحت می نویسند: "در راستا نه انقلاب ما جز محدودی ضلیل مارکسیستها و ما رکی صفات آن فدا انقلاب نداشتیم" (انقلاب اسلامی در دو حرکت، صفحه ۱۷۶).

بازرگان و همکاران شنجانه های اسلامی (تعیزیم) را علیرغم شرط و شروطی، شرعی و قانونی می شمارند. البته آقایان "آزادی خواه" و "وظیفه خود می دانند" همچون منتظری توصیف کنند که تعزیر (تکلیف) اسلامی (با بی تطبیق موازین شرعی و تنشای با زاشیات جرم و حکم دادگاه یعنی بی امانی آخوندهای جنایت پیشه دادگاههای ارتجاع انجام گیردونه قبل از آن (قطعا به کنگره پنجم). در شرایطی که آزاده جنایت خمینی در اقصای عالم پیچیده است، در شرایطی که بهترین فرزندان مردم دستمده استبرای ان می شوند یا در کنگره های میانی خمینی قطعه قطعه می گردند، در شرایطی که - زنده ایان آشکارا بر پنهان رژیم ایستاده ازدهها هزار زندانی سیاسی است، در شرایطی که حتی محافل ارتجاعی و فدا کمونیت جها ن نیز نمی توانند بر جنايات جمهوری اسلامی پرده بکشند و رژیم خمینی در تمام محافل و مجامع و در پیش افکار عمومی بشریت معاصر محکوم می شود، آقایان "آزادی خواه" و مدافع حق حاکمیت ملت ایران!؟ فلان زلیب نمی کشایند. با بی رسیده فلان ا نمدا فع "آزادی" با شما تا کنون برای شیت در تاریخ حتی یک قطعه ما و یا پیشنها برای محکوم کردن کشتار و انقلابی سوسون توسط رژیم خمینی به مجامع بین المللی ارائه کرده اید؟

قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی که سند قانونیت استبداد ولایت فقیه و بندگی مردم است مورد تاشید بازرگان است. تلاش بازرگان این است که در جها ر جوب قانون اساسی رژیم ولایت فقیه به یک شرک و فدا کمونیت رسمی و همه جانبه تبدیل شود. بازمین روز در مقام یک "سیاسی مردم مسئول" راه چاره و حفظ "جمهوری"... را نشان ملاها می دهد و آنها را نصیحت می کند:

"سیاست ها و روش های نادرست دولت مردان ممکن است معتزین و مخالفین معتمد و متعبد به جمهوری اسلامی را به جرگه دشمنان خود دهد... هم تا طور که بستن هم راه های اعتراض و مخالفت و عدم تشکیک به قانون اساسی، چنین خفرا تی دارد، تشکیک بسبه

از کردستان قهرمان

نزدیک به هشت سال از مقاومت قهرمانان خلیج دلاور کرد در مقابل تبهکاران رژیم پهلوی می‌گذرد، و امروز در سراسر کردستان سنگینیت که رنگی از خون پیشمرگهای ما در دل ما در و خوناب دیده‌خواهری بر آن نقش بسته باشد.

جمهوری اسلامی، با تکیه بر ۲۰ هزار سرباز و پادگان صدها پایگاه، قوا را به دوپا دگا نگردستان را بدسرزمین اشغال شده مبدل نمود، اما نتوانست جنبش مقاومت را در هم بکشد و امروز پس از هشت سال کشتار بی‌سابقه در مناطق وسیعی از کردستان، علم زرد رنگ خمینی‌تنتها تا غروب آفتاب بر سر پشته‌ها و هر شاخه همرازه با غروب خورشید، ستاره‌ها کمیته‌های فقیه "موج‌شده" با سواران جهل و جنایت‌های درینا گهاها که با انواع سلاح‌های آمریکایی و اسرائیلی حفاظت می‌شود، از ترس شیخین پیشمرگ‌ها، خواب راحت نداشتند.

خمینی چه آنروز که در اوج اقتدار فرمان سرباز جنبش ملی را در کردستان و چهارمرد که در مقابل تبهکاران در مقابل دریا می‌خمشونفرت مردم ایران قرار داد، و نتوانست و نتوانست این حقیقت را بپذیرد که با تکیه بر سرتیژه‌های خمینی و خلقی را از مبارزه با زدا شد، خمینی از مقاومت حماسی خلق کردستان این نتیجه را گرفت که شیوه‌های قرون وسطایی که او ز خلفای عرب و شاهان ایران به ارث برده، در دنیا و امروز برای در هم شکستن خلقی که در راه هدیه‌ی ترین حق خود حق تعیین سرنوشت - می‌چنگدگانی نیست و باید علاوه بر تبار ره‌خلفا و سلاطین خونخوار از "تاکتیک‌ها" و رهنمودهای فاشیست و دیگر سربازان و خونخواران پروردگار ما به‌دری نیز بهره‌جوید.

حاصل این درایت پدیده‌ها ما "مت" آن شده‌کنیم کتا را عدا می‌های دسته‌جمعی بدست امثال خلخال‌ها که در گذشته تنها شکل تجلی حاکمیت "اسلام عزیز" در کردستان بود، امثال و شیوه‌های بر شیوع، روان‌نشا - سانه‌ویچیده سرباز، اعمال فشار و مقابله با جنبش توده‌ای بدست رژیم خمینی بکار بسته شد: "سربازگیری اجباری به نیک شیوه منظم و با بست اعمال فشار تبدیل گردید و در مقابل فرار روزافزون سربازان کرد، در کتا را اعمال فشار شدیدی تا خنوده‌ها، شیوه‌زدیانه خدمت در محل بکار بسته شد تا در نظر هر به‌سرباز زکرت که اکتون به "جاش - سرباز" تبدیل می‌شده امتیازی نداشته‌شود. در واقع مقدمات کشتار و "پیشمرگ کرد" به دست سرباز زکرت فراهم‌شود.

"تسلیم اجباری" ترغیب دیگری است که در کتار "سربازگیری اجباری" بوسیله رژیم بکار بسته می‌شود. زحمتکشان روستا را وادار می‌کنند که با سلاح آنها مسلح شوند و مسئولیت جنگیدن با عزیزان پیشمرگ خود را بر عهده گیرند و در مقابل مقاومت مردم، علاوه بر آنکه

نظام مالیاتی... بقیه از صفحه اول تا سال ۶۲، مطابق ارقام رسمی، تقریباً ۴۰٪ مالیات‌های غیر مستقیم را مالیات بر واردات و ۱۰٪ آثرا مالیات بر مصرف و فروش تشکیل می‌داده‌است. اگر توجه کنیم که واردات کشور ما، اولاً بر اساس ارز حاصل از فروش نفت تا مین می‌شود، روشن می‌گردد که با کاهش درآمد نفت و به تبع آن کاهش واردات، از مالیات بر واردات نیز کاسته می‌شود. البته دولت با افزودن بر مالیات همان مقدار کالایی که وارد می‌شود و نیز افزایش مالیات بر مصرف و فروش، این کاهش درآمد را جبران می‌نماید. اگر در گذشته مالیات بر واردات بخش اصلی مالیات غیر مستقیم را تشکیل میداد، اکنون وضع دگرگون شده است. طبق برآورد بودجه سال ۱۳۶۶ و بنا به گفته زنجانی وزیر برنامه و بودجه "از ۶۰۰ میلیون ریال مالیات‌های غیر مستقیم ۲۴۰ میلیون ریال (۴۰٪) مالیات بر واردات و ۳۶۰ میلیون ریال (۶۰٪) مالیات بر مصرف و فروش است.

حاصل افزایش مالیات غیر مستقیم، گرانمایی سرام و ورق‌کالاها و خدمات است. مالیات‌های مستقیم نیز که می‌بایستی بنا به ادعای سران رژیم با افزایش گرفتن بخشی از مالیاتی که توسط کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان تجارت می‌شود، به نفع بودجه دولت در تبدیل درآمد‌ها نقشی داشته باشد، بی‌سویه و بی‌فایده است. در واقع کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. یعنی حقوق بگیران و کسانی که درآمد ثابت دارند، عملاً بیشترین مقدار مالیات مستقیم را پرداخت می‌کنند و این رقم مرتباً افزایش یافته است. به طوریکه سهم سالانه مالیات بر حقوق که در سال‌های ۵۶ تا ۱۳۵۰ نسبت به متوسط مالیات بر درآمد محقق بگیران و صاحبان مشاغل از ۸۵٪ تا ۱۱۵٪ رسیده است، در دوره ۶۲ تا ۱۳۵۷ به حدود ۷۲ درصد افزایش یافته است. یعنی به‌طور متوسط نسبت به قبل از انقلاب سالانه ۲۵ درصد رشد کرده است. حتی روزنامه‌های رژیم نیز مجبور شده‌اند اعتراف کنند که سیستم مالیاتی رژیم سربلایی عدالتی استوار شده است. در این زمینه روزنامه "پهنم" که یک ماه پیش در تهران منتشر شد، از ذکر می‌کنند که ما تنها به یکی از این نمونه‌ها اکتفا می‌کنیم. درآمد اجازات گرانندی صحت می‌شود که پیش

دقان بینوا را با قطع سهمیه قند و روغن و غیره تحت فشار اقتصادی قرار می‌دهند، به‌فوتو اما و ترحم‌چینی منطقه می‌سپارند تا با ایجاد ناامنی "ضرورت تسلیح را توجیه کنند.

"کوچ اجباری" حیل‌زدانه دیگری در مقابله با جنبش توده‌ای است و رژیم‌ها از گاه‌گانه‌ها می‌کنند که روستا را احساس شک و نگرانی کند، آنها را از زمین و روستای خود جدا کرده به مناطق دیگر "کوچ" می‌دهند تا جنبش توده‌ای را از سازمانیایی محروم‌تر کند. "نگینانی اجباری" سیاست دیگری در منطقه است. رژیم تحت پوشش "حفظ امنیت روستا" اهالی را وادار می‌کنند که نگینانی اجباری بدهند و در مقابل فرزندان و پسران را پیشمرگ‌خود با بستند.

توده‌های مردم کردستان که در نتیجه‌ها مبارزه و در سراسر روشنگریها می‌ستمرنی‌روهای سیاسی، از حدیلابی از تجربه‌ها و دانش سیاسی برخوردارند، در مقابل اشکال متعوض فشار و سرکوب با بی‌میل‌سردی و دلاوری مقاومت می‌کنند: مقاومت در مقابل "سربازگیری" یکی از اشکال جدی مبارزه مردم کردستان است. امروزه گزیم‌های رژیم علی‌رغم آنکه هرروزه صدها روستا و هزاران خانه روستایی را جستجو می‌کنند، غالباً با دست‌خالی و گول‌های از دشمنان مونا سزا به سگام‌های خود باز می‌گردند. در این مبارزه متشن‌زنان و به ویژه ما در این کردستان ستم‌خیز است. مردم در مقابل فشار اقتصادی و تحریکات فتودالها ایستادگی می‌کنند و روح سرکشی را بر هفت پذیرش سلاح رژیم ترجیح می‌دهند و مقاومت در مقابل "نگینانی" و "کوچ اجباری" وسیع و همگانی است.

رژیم خمینی برای ایجاد پایگاه اجتماعی "در کردستان" دست در سرتی‌های مانده‌ها می‌سازد و کتا فتودالها روستا را متوجه پاره‌های از عتبار می‌گذارد. اما این تلاش مذبح‌خانه و تکیه‌خانه‌ها را اجتناب می‌دهد، برای رژیم کمک کرد تا چهره‌گریه‌فقیه‌ای حاکم را به روشنی ببینند و به قضاوت مبارز خود بپوشانند و از این‌ها بی‌بهره‌اند. و آنجا عقب نشینی کند و به "گدازنی" تن بدهد و از جمله امثال محدود و معیشتی از فعالیت فرهنگی را اجازت بدهد. روشنگران، روشیایا کرد از این فرصت‌جویی استفاده کرده، با انتشار شماریه‌ها از آثار ادبی به زبان کردی، بیکبار دیگر ادبیات را در خدمت مبارزه توده‌ها گرفتند.

خلق کرد، در هشت سال مبارزه مداوم علیه جمهوری اسلامی با تکلور بی‌های عمده‌ای روبرو بوده است: آثار جنگ، بحران اقتصادی و اقدامات تبهکاران رژیم مردم کردستان از همه‌جا شدیدتر سربسته و هست، زحمتکشان کرد در حالی که به پیشینیایی همه‌جا نبه‌از جنبش انقلابی آمده می‌دهند که غالباً نتیجه‌گرستند و از ابتداییترین این مگانا تزنندگی بی‌بهره‌اند. خلق کرد از آثار شوم جنگ ارتجاعی خمینی با مدام‌بیش از ۱۲ سال است کار می‌کنند. به‌ساعت افافه کار و حق اولادها سربازها، ظاهراً با بدبلیغ ۸۰۰ تا ۱۰۴۱ ریال در برابر می‌کنند. ولی این کارمندین از کتار کسورات مربوط به بیمه، تعاضاتی کارمندان قرض‌الحسنه و تعاضاتی مسکن و غیره فقط مبلغ ۱۲۲۹۷ ریال دریافت می‌کنند. از کل مبلغ کسر شده، سهم مالیات ۱۱۵۰۰ ریال بوده است. یعنی تقریباً معادل مبلغی که در واقع به‌دست رسیده، مالیات پرداخته است. این نمونه‌ای از واقعیت زندگی میلیون‌ها حقوق بگیر میهن ما است.

روزنامه که بیان در همان شماره می‌نویسد: "حقوق بگیران ۴ برابر برشاغل آزاد مالیات می‌دهند: در حالیکه سهم متوسط سالانه مالیات بر شاغل آزاد از کل مالیات بر درآمد در دوره ۵۶ تا ۱۳۵۰ ۲۶٪ است. یعنی به‌طور متوسط سالانه ۳۰ درصد کاهش داشته است. به بیان دیگر، مالیات حقوق بگیران مرتباً افزایش یافته ولی مالیات صاحبان مشاغل آزاد و سرمایه‌داران نیز در سال گذشته است. حال اگر توجه کنیم که مشاغل آزاد در سال‌های بعد از انقلاب با حمایت آخوندها به درآمد‌های نجومی دست‌یافته‌اند ابعاد فاجعه روشن‌تر می‌گردد.

همه در رنج و عذاب است و هرروزه شهرهای مختلف کردستان آماج گلوله‌ها و نه‌های سنگین توپخانه‌ها و بمباران هوایی قرار دارد. شهرهای مرزی با نهم، مریوان و بیهار شهرهای پرگول‌ها با نمداوم مسدام نیمه‌ویران و تقریباً خالی از سکنه شده‌اند. تنها در بمباران‌های مداوم شهروندان کشته شده‌اند. از بدبفای کشته، مجروح و بی‌خانمان شده‌اند.

تداوم درگیری یعنی بسین حزب دموکرات و کومله یکی دیگری از معیشتی‌ها تا صف بار کردستان است. از آغاز این درگیری برادرکشی بیش از دوسال می‌گذرد، در این مدت عده‌زیادی از پیشمرگ‌های خلق کتار بدست یکدیگر به‌شهادت رسیده‌اند و نترزی و امکانات قابل‌ملاحظه‌ای از جنبش خلق در راهی بکلی نادرست به هرز رفتن است. از اذامه‌این جنگ تنها رژیم مسود می‌برد. شواهدی در دست است که نشان دهنده اقدامات رژیم در راستای ادامه‌این جنگ برادرکشی است.

پذیرش بی‌قید و شرط آتش‌بس و آغاز مذاکرات برای دست‌یابی به توافق پایدار، تنها راه دموکراتیک و عادلانه‌ایان درگیری‌های حزب دموکرات کردستان و کومله است. سازمان ما قویاً از این راه حل پشتیبانی می‌کنند و زمان آغاز طرفین را به قطع فوری درگیری‌های بی‌خاتمه بخش فراخوانده‌اند.

جنبش خلق کرد، در شرایطی که مقاومت در مقابل فشارهای حاکم‌دست‌های زید که هنوز بخش‌های عظیمی از توده‌های مردم در سراسر نقاط ایران در ترحم خمینی نسبت به رژیم، از این پشتیبانی می‌کردند. اما امروز شرایط بکلی تغییر کرده است. طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر نقاط ایران در مقابل رژیم تبهکار خمینی به جنبش ملی و دموکراتیک خلق کرد به‌بختی از مبارزه خود می‌نگرانند و هم‌تشتیانی از این جنبش را بیش از پیش درک می‌کنند. از سوی دیگر خلق کرد، در نتیجه‌ها مبارزه و سربازگیری در این سال بی‌کار آمد و مبارز خمینی بیش از هر زمان دیگری درک می‌کنند که تنها در پیوند با مبارزان سراسر خلق‌های ایران در راستای سرنگونی رژیم و استقرار حاکمیت انقلابی می‌توانند به حق تعیین سرنوشت دست‌یابند و شاعر خود می‌تواند برای متحقق سازد.

سازمان ما که حق تعیین سرنوشت را از حقوق مسلم بدیهی و اولیه‌همه‌خلق‌های کشور کتار امله‌ایان می‌داند، از مبارزات خلق که تنها به خلق کرد و پیشینیایی می‌کنند و در راستای تقویت همه‌جانیه این جنبش و تحکیم پیوندهای آن با جنبش سراسری مردم ایران از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. ما عمیقاً اعتقاد داریم که سنگر انقلابی کردستان با بدبطور همه‌جانیه و با همه‌جانیه‌ها می‌تواند با مبارزه‌های انقلابی و ترقیخواه در کردستان امروز موثرترین راه‌حلی و تحکیم این سنگر انقلابی و تبدیل آن به تکیه‌گاه و نیرومندترین جنبش سراسری مردم ایران است.

۷۵ درصد درآمد‌های مالیاتی از زحمتکشان برداشت می‌کنند. تنها کمتر از ۲۵ درصد درآمد مالیاتی از صاحبان مشاغل آزاد دریافت می‌گردد. یک کارشناس امور مالیاتی می‌گوید: "با بدبفای مالیات‌های محدود و متمرکز شادک بیشترین توان پرداخت مالیات را دارند. یعنی مملایش اعظم امکانات مالیاتی روی حدود ۱۰۰ هزار برورنده مالیاتی متمرکز شادک بیشترین توان پرداخت مالیات را دارند. "معنای عامه‌فهم اظهارات این کارشناس این است که مشتقی سرمایه‌دار و ملاک و آخوندها دهک صاحب سرمایه‌های کلان و زمین‌های وسیع و متعاضات کنندگان اصلی بیش از یک تریلیون تومان به نفع خود می‌کنند. با راهی مالیات‌های محدود و متمرکز، این سرمایه‌داران و زمین‌داران به نفع خود می‌کنند. ایست محتوی واقعی نظام مالیاتی رژیم جمهوری اسلامی.

مدت پخش پرت‌نامه‌های رادیو زحمتکشان ایران دو برابر شد.
به پرت‌نامه‌های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرادید.
رادیو زحمتکشان ایران، صدای زاده‌کارگران و زحمتکشان کشور و صدای سرحق تمام محرومان میهن است.
رادیو زحمتکشان ایران هر روز از ساعت ۷ بعد از ظهر به مدت یک ساعت روی موج ۱۰۰ کیلوهرتز پخش می‌گردد. این پرت‌نامه‌ها در ساعت ۸ عصر همان روز و صبح روز بعد ساعت و طول موج رادیو زحمتکشان ایران، صدای رای ملی و طبع و آزادی را با طربسپا رید، وقت و طول موج آن را به همه بگوید و در همه جا پخش می‌شود.
برای مکتا تبه رادیو زحمتکشان ایران به آدرس نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نامه بنویسید.

پیام مشترک بمناسبت اول ماه مه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران، با پرشورترین سلامها و درودها روز اول ماه مه (۱۱-۱ اردیبهشت) روز همبستگی خلیل نا پذیرکار رگران و زحمتکشان جهان را به شما مبارزان پیگیر و آشتی ناپذیر راه آزادی، استقلال صلح و سوسیالیسم صمیمانه شما مبارزان می گویند.

در کشورهایی که سوسیالیستی که حکومت در دست است کارگران و زحمتکشان قرار دارند، جشن اول ماه مه روز نمایش دستاوردهای عظیم سوسیالیستی به سود صلح و دموکراسی در سراسر جهان است. در اردوگاه سرمایه داری، کارگران و زحمتکشان روز اول ماه مه را زیر شعارهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم علیه امپریالیسم و استعمار برگزار می کنند.

استعماری اسلامی که رژیم با شما سرمایه داری وابسته با خصومت خودکار مکی قرون وسطای است اما نتواند دوران شاه زبرگزار این جشن توسط کارگران به شدت جلوگیری می شود. دلیل این مخالفت، دشمنی آشکار سران جمهوری اسلامی با آزادی و حقوق کارگران است. بی جهت نیست که با گذشت هشت سال از انقلاب شکوهمندی بیمن، نه تنها کوچکترین گامی در جهت بهبود وضعیت کارگران برداشته نشده، بلکه سبب بدتر شدن دستاوردهای صنفی آنان که طی سالها مبارزه پیگیر و خونبار به دست آمده بود، آشکارا کدمال و بیگانه فراموشی سپرده شده است.

رژیم برای با یمال کردن حقوق کارکنان، دهقانان و دیگر زحمتکشان و تحمیل جنگ، بیگاری، فقر و بدبختی به آنان از زمان نخستین سال های انقلاب به دشمنی با نیروهای انقلابی، احزاب و سازمان های مترقی و دمکراتیک کشور پرداخته، یورش و جنایت به حزب توده ایران و یورش دهنده به همه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با نگرماهیت سرگوبگر رژیم و ستیزگانه توارنه آن با آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک کارگران و زحمتکشان میهن ما است.

رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در دشمنی آشکار با تشکلهای مستقل کارگری و منعم فعالیتت سندیها، اتحادیهها و کنترل شدید کارگران و سبب ناپدید شدن سربوگر، عملاً کارگران میهن ما را از داشتن و یا یل دفاعی در برابر برتعدیات و زورگویی های کارفرما و سایر محروم کرده است. در جمهوری اسلامی هیچ قانون و مرجع قانونی برای دفاع از حقوق کارگران وجود ندارد.

مبارزات کارگران برای خاتمه جنگ و بیرون کردن شما سوز، جلوگیری از تعطیل کارخانه ها، راه اندازی واحدهای زکا رفته، اما نخواست از با زبردتدو آج کارگران و نیز مبارزه آنان برای حقوق مطالباتی، چون افزایش مناسب دستمزدها، اجرای واقعی طبقه بندی مشاغل و بهبود شرایط کار

رفاها اجتماع به شدت سرکوب می شود. شما هجلاهای رژیم مملو زکارگران مبارز و معترض و مدافعان بیگن حقوق صنفی و سیاسی آنان است.

تعطیل بسیاری از واحدهای مهم تولیدی و توزیعی بسیاری از خطوط تولید برای سفارش های نظامی و جنگی و نیز اجرای سیاست ضد انسانی کم کم کردن نان خورها موجب افزایش هر چه بیشتر مصروف ارتش عظیم بیگاران شده است.

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر سیاست اقتصادی و اجتماع ضد دمکراتیک و ارتجاعی خود، امنیت شغلی را از کارگران و زحمتکشان سلب کرده است. در شرایط کنونی تهدید بیگاری به حرمته در رک گوشت دم توپ از میان کارگران و فرونشان نندن جنبش اعتراضی و اعتصابی آنان بدل شده است.

سیاست های رژیم در راستای آن جنگ مهم ترین عامل تخریب وضعیت اقتصادی، سبب اصلی تعطیل کارگاهها و کارخانه ها، اخراج های بی سابقه، عامل تهدید زندگی خانواده های کارگران و تبا و هس ارتش های منوعی جا معده است.

کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران! می توان و باید به جنگ شما سوز با این دادوا ز کشتار فزونتر نوجوانان و جوانان و زویرا نی بیشتر کور، از تشدید بیگاری و فقر و پریشانی بیش از پیش خانواده ها جلوگیری کرد و با موش کردن آتش جنگ به صلح منطقه و جهان کمک کرد.

با بدر آستانه اول ماه مه با تجدید نیرو و تشکیلهای تحکیم اتحادیه کارگران واحدهای مختلف تولیدی، کارگران بیگارا و خراجی و دیگر زحمتکشان و کاربرد شیوه های مختلف مبارزه مانند کم کم کاری، تحمیل، اعتصاب، اعتراض و تظاهرات، ما شین جنگی رژیم را از حرکت بازداشت. در این مبارزه همه نیروهای مترقی و صلحدوست جهان با ورود مدکار شما هستند.

کارگران و زحمتکشان ایران! رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در یکسال گذشته تلاش فراوانی کرد، با استقا ده از شرایط جنگی، نپا دهای و تفرقه انداز سربوگر و بیگاری از جنبش کارگران میهن ما در دفاع از حقوق خود کرده. اما این تلاش ها با مقاومت و مبارزه کارگران مواجه بود.

اعتراضات فرا یافته کارگران علیه سیاست بازفید و اخراج ها و مراجعات دسته جمعی آنها به ارگان های حکومتی برای دفاع از حق کار و حفظ شغلی موجب گردید که رژیم در بسیاری موارد در برابر اعتراض و مبارزه متحد کارگران به عقب نشینی تن دهد.

کارگران و زحمتکشان ایران! مهمترین خواسته های سیاسی، صنفی و رفاهی شما در مرحله کنونی مبارزه با رژیم کارگر ستیز و ولایت فقیه عمیق است:

قطع قوروی جنگ خاموش سوز، آزادی زندانیان

فعال در مبارزات انقلابی آبدیده شده بودند. کمیته مرکزی عدالت از ۱۲ تن از برجسته ترین انقلابیون تشکیل می شد. نخستین رهبر حزب، انقلابی نامدار اسلام الله غفارزاده اردبیلی از جمله است انقلابیونی بود که از نخستین سالهای قرن بیستم در انتشار رایگری لنینی (به عنوان مسئول رساندن نسخ اصلی رایگری از تبریز به باکو) فعالیت شرکت داشت. غفارزاده که از سال ۱۹۰۵ به عضویت حزب بلشویک پذیرفته شد در میان کارگران ایرانی با کورچه شناخته شده ای بود و بعنوان یکی از اعضای اصلی هسته رهبری کننده جنبشهای کارگری در باکو (در سالهای جنگ) فعالیت داشت.

برنامه اساسی ما حزب عدالت در ۱۶ فصل و سه زبانهای فارسی و آذربایجانی تنظیم شده بود. برنامه از دو بخش حداقل و حداکثر تشکیل می شد. نخستین ارگان "عدالت" مجله "بیرق عدالت" بود که به سردبیری خود غفارزاده منتشر می شد. سپس از نهادت او روزنامه "حریت" به ارگان حزب تبدیل گشته در "حریت" نویسندگان برجسته مارکسیست، چون سید جعفر جوانزاده، پیشه وری، محمد سید، ردویا دی، آقا بابا یوسف زاده و دیگران قلم می زدند. حریت از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ به سردبیری پیشه وری انتشار می یافت.

کار برد داخل کشور، گردآوری شده ها و کارگر و رنجبرد زیر یک پرچم و بسیج آنان به مبارزه انقلابی، نخستین هدف عدالت را تشکیل می داد. حزب به بهای جان ندهد از کارهای خود موفق شد شبکه تشکیلاتی خود را در تبریز، تهران، مرند، خوی، مشهد و... گستراند.

"عدالت" جزئی انترناسیونالیست بود. این حزب مبارزه برای رهایی میهن خود را جدا از مبارزه برای سرنگونی تشکیلهای استرجاع جهانی یعنی رژیم تزاری و استقرار حکومت طبقه کارگر در روسیه نمی دانست و از این رو در مبارزه کارگران روسیه

سیاسی، نامین آزادی های دمکراتیک، شیک به رسمیت شناختن سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگران، تدوین قانون کار و بنا به اجتماع مترقی با شرکت تمام بندگان واقعی کارگران، افزایش دستمزدها، متناسب با هزینه زندگی، اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل، نامین بهداشت و درمان و آموزش را بیلگان، نامین مسکن مناسب و توسعه تعاونی های مسکن و مصرف کارگری.

رفقای کارگرو فدان کارگری!

بسیج کارگران و زحمتکشان پیرامون خواسته های سیاسی، صنفی و رفاهی کارگران یکی از مهمترین وظایف شما در محیط های کارگری است. شما با تشکیل هسته های مخفی واحدهای تولیدی به ویژه در مبارزات بزرگ صنعتی و کتاهوزی قادرید مبارزه کارگران را در جهت تحقق شعارهای مطالباتی آنها رهبری و هدایت کنید، این هسته ها در یافتن شعارهای بسیج گم رمتنا سبب محیط کار و روستنش روحیه کارگران و دست دادن مبارزه آنان در جهت هدف های بزرگتر نقش تعیین کننده و سرنوست ما زی دارند. کوشش در راه همگامی و اتحاد عمل بین همه عناصرتقتسی و انقلابی در محیط کار که علیه رژیم و در راه منافع طبقه کارگر مبارزه می کنند و با جدیت با شما همکاری می کنند و با شما مبارزه می کنند.

پیروزی در راه ما میهن این خواسته ها به میزبان تشکیل سازمان با تشکیلی شایسته میسر می آید. با حمایت کارگران و پیشاهنگ طبقه کارگران ایران، صفوف مبارزه جویا نه خود را در امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق تقویت کنید.

کارگران و زحمتکشان!

با ردیکر فزایدن اول ماه مه را به شما اردوی کار و زحمت صمیمانه تبریک گفته و برای شما پیروزی در پیکار علیه این رژیم مرتجع و جنگ طلب آرزو می کنیم. نیروی عظیم و فزونمون اتحاد شما توده های رنجبر، سرانجام پیروزی و رهایی را از آن خلق متحدیده خواهد ساخت، نظام منحط سرمایه داری را به کور خواهد سپرد و فرادای روشن طمع و آزادی را برقرار خواهد ساخت.

فرخنده با داول ماه مه
سرتگون با جمهوری اسلامی
پیروز با دمبارزه کارگران و زحمتکشان
کمیته مرکزی
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
فروردین ۱۳۶۶

علیه بورژوازی و اشغالگران خارجی فعالانه شرکت می جست. رهبران عدالت محبوب کارگران انقلابی با کوربودند و کارگران انقلابی آقا بابا یوسف زاده (از رهبران عدالت) به نمایندگی از سوی کارگران باکو در کنفرانس ششم حزب بلشویک - که مسئله تقیام مسلحانه و انقلاب سوسیالیستی را در دستور کار خود داشت - شرکت جست.

عدالت در سال ۱۹۲۰ کنفرانس حزبی خود را در بندر انزلی برگزار کرد و در همین کنفرانس تشکیل حزب کمونیست ایرانی رسماً اعلام شد. از این تاریخ حزب عدالت جای خود را به حزب کمونیست ایران داد که خود مرحله دیگری در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران محسوب می شود.

هفتاد و دو سال گذشت که حزب کمونیست عدالت فرصتی دیگر برای گرامیداشت خاطره نخستین رهبران حزب طبقه کارگران ایران و درس آموزی از تجارب تاریخی جنبش کمینال کمونیستی و کارگری در میهن ما است.

- ★ روزگارگر با یبعنوان روز تعطیل رسمی اعلام شود.
- ★ نامین اسلامی منحل باید کرد.
- ★ کارگران پیشرو، هسته های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علمی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید.
- ★ کارگران شاغل و بیگار را با نامین حق بیمه بیگاری مبارزه نام علیه اخراج و تضمین امنیت شغلی یکبار چهره تر کنید.
- ★ کارگران ایران متوقف کردن سیل اخراج های علیه جنگ برای خیزید.
- ★ قانون کار با یبدمدافع حقوق کارگران باشد.
- سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گرامی داشت هفتاد و دو سالگرد تشکیل حزب عدالت ایران

۱۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ سالگرد تشکیل "حزب عدالت ایران" تشکیل "حزب عدالت" و کارنامه فعالیت انقلابی آن، برگی درخشان و نقطه عطفی برجسته در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران محسوب می گردد.

حزب عدالت بمناب نخستین حزب کارگری جمهوری آیدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم، در میان کارگران ایرانی قفقاز زویویزه کارگران ایرانی شاغل در صنعت با کورپیویری شد. با کور آرزوکار بجهت وجود مدافع نفت، برای کارگران بیگارا ایرانی عمل مناسبی جهت یافتن شغل بود و از همین رو هر ساله محل زیاده، خصوصاً آذربایجان و استانهای شمالی کشور به آنجا رهسپار می شدند. در با کور آرزو و شغلمان انقلابی گرفته تا تجار ایرانی بسیار بودند. در اوایل قرن بیستم بیش از ۱۲۰ (ویسه قولی ۳۰۰ هزار) کارگردانی ایرانی در صنایع و دیگر صنایع بزرگ و کوچک قفقاز زکار اشتغال داشته اند. کارگران ایرانی در قفقاز زبدهلیل امکان دستیابی به تجارت انقلابی کارگران روسیه، بدلیل شرکت فعال در ترمای جنبش های کارگری و در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و نیز شرکت فعال در انقلاب مشروطیت ایران از نظرمیزان آگاهی انقلابی در سطح نسبتاً خوبی قرار داشتند. حزب عدالت نتیجه منطقی تکامل مجموعه جنبش کارگری و سوسیالیسم-دموکراسی ایران، بلافاصله پس از انقلاب فوریه و سرنگونی تزاریسم در روسیه، در میان همین کارگران ایرانی قفقاز رسماً اعلام موجودیت کرد.

بنابنا گذاران و اعضای کمیته مرکزی و کارهای مسئول "عدالت" انقلابیونی (عدالت کارگران انقلابی) بودند که با شما کار در مدافع نفت و دیگر مراکز تولیدی و یاد زندگی در کویهای کارگری و با شرکت

کارگران پیشرو! هسته های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علمی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید



جستی کارگری...
کا رگرگان وکارمندان به جیبه‌ها از ۲۴ مردیبه ۲۴ درصد رسید. ولی از آنجا که داد وطلبی برای اعزایمیداندند، در همه جا کاره "فرعه گشتی" کشیدند. وزارت صنایع طی بیخشنده‌های خط با به مسولین کارخانجات تا به عهده خود اعلام کرد که با توجه به کاهش کارهای ارضی، در صورت توقف تولید، کارکنان خود را به جیبه‌ها اعزام کنند.

رژیم با حربه‌ها آخراج و با خریدیسی کردببخشی زنیاز نیروی انسانی جیبه‌ها از کارگران آخراجی تا همین کسنددرتعدای از کارخانجات با ایجاد "طایفه‌ها" و جباری کردن آموزش‌های نظامی در محل کار توسط بسیج کارگری سیاه، نظم سربازانهای برقرار کرد. علی‌رغم کارزار رتسلیفی رژیم و فشار فوق العاده اش بر طبقه کارگر، مبارزه برای قطع جنگ و علیه اعزام اجباری و قهر عکسکی با مخالفت و اعتراض کارگران روبرو شد در مواردی رژیم را واداره عقب نشینی کرد. سازمان در سال گذشته با توفیق آرا بیشتنگ کسنگ میان جنگ و آخراجی وسیع کارگران و نیز تاثیر مخرب جنگ بر شرایط کار روزگاری زحمتکشان تا کنه کرده که مبارزه کارگران برای متوقف کردن سیل آخراجی‌ها الزاماً با پیدا مبارزه متحدانه نیا برای متوقف کردن جنگ و علیه رژیم جنگ افروزمینیی توام گردد.

آخراج
از بهار سال ۶۵، آخراج‌های وسیع به سیاست رسمی رژیم بدل شده و تحت پوشش‌های با خرید، لایحه‌ها با زشتگی، لایحه بیمه بیکاری، سیاست خطا اشتغال و با لایحه با شمارگان "سیاست کم کردن نان و روغن" وسیعاً به اجرا درآمد. رژیم که مدت‌ها سعی می کرد آخراج‌های گسترده کارگران را مخفیانه نویی سروصدای عملی سازد و آفشاری علیه آخراج را "سیاست ضد انقلاب" می نامید، سرانجام مجبور شد رسماً اعلام کند که آخراج از تهیه رز برای صنایع کشور است و قبلاً از همه رسته‌های مانشده صنایع خودروسازی، نساجی، کارخانجات تولید و سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی نیز متعطل خواهد شد و کارگران آنان با خرید شده و اعزام جیبه‌های جنگ می شوند.

مهمترین نمونه‌های آخراج خودهای کارگران کسک با زتاب وسیع یافت آخراج ۸ هزار کارگر ایران ناسیونال تحت عنوان با خرید بود. به دنبال آن آخراج همگسترش یافت و نه تنها کارخانها بلکه رسته‌های مختلف را در بر گرفت که کارخانجات تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع، آخراج ۶ هزار کارگر و نیز کارخانجات تحت پوشش صنایع سنگین آخراج ۲۸ هزار کارگر در دستور کار خود قرار دادند. ۲۴ هزار کارگر از میان ۷۰۰ کارگر ما شین سازی آزاراکه، ۴۲ هزار کارگر خودروسازی، ۲۰ هزار کارگر شرکت خودروسازی صفیا، ۱۰ هزار کارگر از کارخانجات شهر صنعتی البرز، ۵۰ هزار کارگر ارس توشیبا، ۴۰ هزار کارگر انفرماری کارور، ۲۵ هزار کارگر از لیلاند موتور، ۲۰ هزار کارگر از آهن شهران، ۱۵ هزار کارگر از میان صنایع نساجی تبریز، ۵۰ هزار کارگر از خانه ایران دوچرخه‌ساز و هزاران کارگر دیگر از واحدهای چون موتور سازی تبریز، کارخانهای نساجی تبریز و... جهت ممتاز، کارتن بارس، کارخانه نریسنگی البرز، ایران کاوه و لامب گیلان و غیره با خرید و آخراج شدند. علاوه بر اینها طبق اعتراضات مقامات محدودده ۱۰ تا ۱۵ هزار کارگر دیگر از واحدهای مختلف صنعتی کشور در فهرست آخراج قرار گرفتند.

طبقی کسنگ گذشته سازمان ما با افشای سیاست ارتجاعی و ضد کارگری "با خرید" و نقض حق کارواضایت شغلی کارگران، آشکارا به مبارزه علیه ادمه جنگ آخراجی گروهی ناشی از آن دعوت کرد. سازمان ما این افشای انگیزه و مقاصد رژیم را بطور لایحه بیمه بیکاری، برتامین این حق به مثابه یکی از حقوق پدیدمی و مسلم همه بیکاران تا کنه کرده و ضمن توفیق سیاست سازمان در این زمینه، اعلام کرد که این شمار می توانه سد سد مهمترین حلقه اتصال مبارزه کارگران شاغل و بیکار علیه آخراج بدل شود.

شرایط دشوار کار و اعتمایات کارگری
تشدید بحران اقتصادی در سال گذشته مخربترین تاثيرش را بر شرایط کار روزگاری طبقه کارگر ایران گذاشته است. افزاین بیسیا بقیه هزینه زندگی، کمبود رزاق، عدم افزایش دستمزد، قطع بخشی از حقوق، و مزایای متعطل بسیاری از میهدکودکها و ضعیفیات حقوقی بیکر نزدیک به ۵۰ درصد درآمد کارگران را کاهش داده است. درآمدی کارگران وضعیت اسفنا برتری باقیست. در مواردی بود که پرداخت حقوق کارگران ما را به تعویق افتاد. کارگران به اعتمایات و اعتراضات متعدد برای تامین حد اقل شرایط مناسب برای کار و زندگی خود دست زدند. اعتراضات زیادی در ظرف گذشته تا نازل خدمات درمانی و بیمه خدمات اجتماعی صورت گرفت.

اعتمایات کارگران اینستا که چها صد کیلو و تا برقی شیراز، اعتمایات کارگران کارخانه خودروسازی، اعتمایات کارگران کارخانه دولتی شهران، اعتراض کارگران ایران ناسیونال به آخراج ۱۵ هزار کارگر پیما نی، اعتمایات کارخانه کفش ملی، اعتمایات فولاد مبارکه به خاطر در بر پرداخت حقوق، اعتمایات کارگاه فریدن رشت، اعتراض کارگران چیت به خاطر

کمبود مواد اولیه و امکان تعطیلی واحدها، اعتمایات کارگران شرکتها ساختن "ها و مپه‌ها خرد بر پرداخت حقوق، اعتراض کارگران گشتی را نیلی به قطع آفشاری، اعتمایات کارگران وینا برای تعطیل پنجشنبه‌ها، اعتراض برای استفاده از تعطیلات رسمی آخراجی ایران ناسیونال همواره از اعتمایات کارگران شرکتها رکت به خاطر طولانی آفشاری، اعتراض کارگران شرکتها نکره به خاطر در بر پرداخت حقوق و قطع باسما ن، اعتمایات به خاطر در بر پرداخت حقوق، اعتمایات کارگران کاشی سندی، اعتمایات کارگران رسیباف، افشای به خاطر کس حقوق و مزایای کارگری، اعتمایات کارگران ساختن نیروگاه هزهان به خاطر عدم پرداخت مزایا، تجمع اعتراضی ۱۰۰ هزار کارگر آخراجی ایران ناسیونال به همراهمانواده‌ها میان در مقابل کارخانه، اعتمایات ۲۰۰۰ نفر از واحدهای پیهر بر در ایوا زبا قطع جنگ شهرها و تامین امنیت جانی برای کارور...، نمونه‌های از حرکات اعتراضی کارگران در سال گذشته بود.

قانون کار
رژیم زسوی با سرکوب اعتمایات و ازسوی دیگر با تدویین بارهای قوانین سعی کرد جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران را فرو نشاند و از گسترش آن جلوگیری کند اما اعتمایات و مبارزات روزگرمزج تشدید نشان داد و نفرت توده کارگران علیه خود، حاصلی بر نداشت.

قانون کار
در سال گذشته برای چندمین بار لایحه قانون کار اسلامی تدوین شد و برای تصویب به مجلس ارا شه گردید. نقض اساسی ترین حقوق صنفی کارگران یعنی حق کار و امنیت شغلی، حق تشکل و حق اعتمایات، ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری آنرا عریان تر کرد. رژیم سعی کرد با برخی اصلاحات در لایحه جدید، مضمون ارتجاعی آنرا لایوئالی کند و نظر کارگران را به ناشاید جلب کند اما موفقیه ای نتواند رشتد.

تشکیل
مبارزه طبقه کارگری برای دستیابی به قانون کاری دموکراتیک در سال گذشته نیز همچنان ادامه یافت. طبقه کارگر با ردیگر نشان داد که حاضر نیست به قوانین ارتجاعی و ضد کارگری رژیم بورژواژی که رکتسیسز آخوندها تصمصین کند.

تشکیل
رژیم زکیوی با یامال کردن حق تشکل صنفی مستقل کارگران در قانون کار ازسوی دیگر به سرکوب حخن هرگونه اقدام مستقل کارگری برای ایجاد سازمان‌های صنفی تلاش کرد. کارگران را از این حق مسلم محروم کند. اما با مقاومت و اعتراض توده کارگران مواج شد.

رژیم در سال گذشته نیز کوشید تا قانون ارتجاعی شورا‌های اسلامی کار را در بر نوا انتخابی نی فسی دموکراتیک به کار کارگران تحمیل کند و عوامل مورد تانی خود را به عنوان نماینده به کارگران بقبولاند. اما نتایج انتخابت شوراها نشان داد که حکومت و نمایندگان فرمایشی از اکثرین اعتمایات خودهای خود را در نیستند. کارگران در هر کجا که توانستند، تلاش کردند علیه غمگاری شغلی‌ها و مدارات وزارت کار، انجمن اسلامی ومدیریت، نمایندگان خفسوردا برگزینند. رژیم در بسیاری از موارد موفق شد شورا‌های اسلامی و مطلوب خود را تشکیل دهد. اما در هر حال شورا‌های اسلامی کار در جارب چوب سیاست ارتجاعی و ضد کارگری رژیم به مثابه ارگانی صنفی و کارگری اما وابسته به دولت تشکیل شدند. دیگر تشکل‌های علنی کارگری نظیر تعاونی‌های صرف، مسکن و اعتبار در سال گذشته همچنان به عهده فعالیت‌های محدود و کم تر خود را می‌دادند. کارگران برای تامین حقوق صنفی خود از طریق این تشکل‌ها (به ویژه تعاونی‌های مسکن کارگری) مبارزات خود را تدوام دادند.

سازمان ما برای هدایت مبارزات توده‌های کارگران در سال گذشته همچنان بر تشکل هسته‌های مخفی کارگری و تحکیم و گسترش آنها تا یلید کرد و اشریش و کارآیی این هسته‌ها را در گروئی تشخیص فعالیت‌های مخفی علنی کارگران بیشتر و در جنبش کارگری دانست و در این رابطه علاوه بر هسته‌ها بر ضرورت حضور فعال کارگران بیشتر در تشکل‌های صنفی علنی موجود (به ویژه شورا‌ها) برای افشای سیاست‌ها و مطرح شدن صورت کارگران و تشکل‌ها این ارگان‌ها توسط نمایندگان واقعی کارگران تا کنه کرد. در سال گذشته برخی از هسته‌های مخفی کارگری توانستند اعتراضات و اعتمایات کارگری موفق را سازماندهی کنند. در سال گذشته، شعار "انحلال انجمن‌های اسلامی بیش از پیش با استقبال توده کارگران مواج شد. سازمان ما مبارزه برای انحلال انجمن‌های اسلامی را به مثابه جزء ضروری از تشکل مبارزه برای تامین آزادی‌های سندی کارگران و آزادی‌های سیاسی مورد تاکید قرار داد و توجه کارگران بیشتر را به اهمیت این شعار در رسیدن توده‌های کارگران برای مبارزه علیه سرکوب و اختناق برای آزادی و سرنگونی رژیم خمینی ارا گشت.

در سال گذشته با بیای تشدید بحران اقتصادی و تدایم جنگ و سرکوب، شرایط کار روزگاری کارگران دشوارتر شده و همانند زنا را شای نفرت کارگران از رژیم جمهوری اسلامی افزایش یافت. اما گسترش مواج نشان را شای، با ارتقا، سطح مبارزه و تشکل کارگری همراهنیود. در مقایسه با سال ۶۶ ما شاهد یک افست نسبی در تعداد دو کیفیت اعتراضات کارگری هستیم. در سال ۶۶ رایج‌ترین وعده‌ترین شکل اعتراض کارگری بود. مراجعه به مدیریت، وزارت کار و مراجع قانونی و نیز توسل به شورا‌های موجود برای مطالبه حقوق صنفی از اشکال رایج اعتراض بود. در سال ۶۶ هم اعتمایات و نیز تحولات مختلف کشور خود را ما نتوانستیم اعتمایات مهم و حرکات اعتراضی آشکارا و گسترده نسبت به سال ۶۴ کاهش داشت. این کاهش قبل از هر چیز ناشی از تشدید فشار شای جنگی بر کار روزگاری کارگران بوده است. در سال ۶۶ ما شاهد افزایش دستمزد و حقوق صنفی و رفاهی پیشی گرفتیم این امر به درجه معینی از دستمزد و حقوق اعتراضات جمعی و آشکارا رسیده است. اما این کاهش نسبی به هیچ وجه به معنای افت روحیه اعتراضی و توان مبارزاتی کارگران نیست. زیرا علل ناراضی‌ها و اعتراضات کارگری یعنی شرایط دشوار کار روزگاری کارگران، عدم امنیت شغلی و حتی جانی به غایت تشدید شده است. اما این شرایط نتایج نفرت و ناراضی توده کارگران را علیه رژیم متراکم‌تر کرده و سیاستان تجار تا بینا را نیز تشریع کند. اما از طرف دیگر این توان اعتراضی با بظرف و قالب مناسب خود را پیدا کند، با پیدا سازمان مشخص و هدف روشن داشته باشد.

طبقه کارگر ایران اکنون مبارزه با رژیم را در شرایطی به کلی نا برابریه پیش می‌برد. علاوه بر تاثیرات مخرب بحران اقتصادی و جنگ برجش شده ای کارگری گذاشته و می‌گذارد، طبقه کارگر از تشکل توده‌های مستقل و پیوند مبارشای پیروان سیاسی خود برخوردار نیست. تجربه اعتمایات و حرکات اعتراضی یک ساله اخیر را ردیگر نشان داد که در هر کجا که فعالیت پیروان هسته‌های مخفی کارگری توانستند حرکتی را سازماندهی کنند، آن حرکت با موفقیت به انجام رسیده و دستاوردهای جدیدی به بار آورده است. در شرایط کنونی ایجا دو تقویت هسته‌های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات علنی فعالیت توده‌های برای سازماندهی مبارزات جاری کارگران، متضمن تکامل جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران بسوده و زمینه‌ساز اصلی تقویت پیوند طبقه کارگر با پیروان سیاسی آنست.

زنان کارگر!

- جمهوری اسلامی با آخراج و با خرید بسیار از کار محروم می‌کند. به این محرومیت واجباتن ندهید. برای حق کار و امنیت شغلی مبارزه کنید. برای جلوگیری از آخراج و برای بازگشت کارگران آفارجی بسرکار، متحد و یکپارچه مبارزه کنید.
 - برای تدوین قانون کار دموکراتیک برای تامین اصل مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان ممنوعیت کاررشته‌ها کارهای سخت و زیان آور برای زنان، تامین میهدکودک و شیرخوارگان در جوسوار کارگاهها، برای حقوق دوران بارداری و زایمان، علیه قانون کار ارتجاعی رژیم مبارزه کنید.
 - در رژیم جمهوری اسلامی کارگران از حق ایجاد تشکل‌های واقعی خود محرومند، برای ایجاد تشکل‌های صنفی مستقل، دوشاوش برادران کارگریستان در سازماندهی هسته‌های مخفی کارگری شرکت کنید. بخاطر تامین حق تشکل کارگری، برای تامین آزادی‌های سندی و حقوق دموکراتیک مبارزه کنید.
 - تنگنفسور و بیرون زندگی مردم را تنگنفس کرده است. بخاطر صلح، علیه رژیم مبارزه کنید.
 - دوشاوش برادران ما علیه مداخله ارگان‌های پلیسی و سرکوب رژیم در امور کارگران مبارزه کنید.
 - برای انحلال انجمن‌های اسلامی مبارزه کنید.
 - جمهوری اسلامی زنان را از فعالیت اجتماعی محروم و حقوق آنان را در خانوادها یامال می‌کند. تحمیلات ارتجاعی بنده‌های دیگری بردست و بیای زنان می‌زند. در مبارزه زنان علیه تحمیلات ارتجاعی و برای کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک فعالانیه شرکت کنید.
 - جمهوری اسلامی حکومت سرما به داران، دشمن کارگران و زحمتکشان است. دوشاوش برادران کارگر خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه کنید.
 - برای مبارزه در راه کسب حقوق دموکراتیک خود برای صلح، آزادی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق به سازمان فداشای خلق ایران (اکثریت) بپیوندید.
- سازمان فداشای خلق ایران (اکثریت)

برای دستیابی مشترک به حقیقت

حجتی برآمده از آرای کثرتخواهی ملی حزب توده ایران از خط مشی حزب در سالهای ۶۱-۵۷

ضرورت سرنگونی رژیم خمینی با هدف اجرای تحولات انقلابی و دمکراتیک در راستای سوسیالیسم، مبارزه قاطع و پیگیرانه ای برای تأمین وحدت جنبش رگزی و کمونیستی ایران را می طلبد.

سازمان ما در این راه پیگیرانه مبارزه می کند، بلیتوم وسیع فروردین ماه ۵۶ کمیته مرکزی سازمان با تصویب قطعنامه "وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و رگزی ایران" بر تحقق این هدف تأکید ورزید. در اجرای این قطعنامه به هیأت سیاسی کمیته مرکزی طی مصوبه ای درباره سیاست سازمان در مناسبات با حزب توده ایران که در کا در مناسبات دوسالانه با رگزیست لنینیست و انترنات سونیالیست قرارداد ارد، تصریح می کند که: "اتحاد عمل، همکاری، مشاوره و همکاری های فیمابین که از طریق اتحاد تصمیم های مشخص صورت می گیرد در خدمت تقویت جنبش انقلابی جاری و با هدف نیل به تأمین وحدت سازمان و حزب حول برنامۀ ما، استقامت و خط مشی انقلابی واحد انجام می گیرد." منظور ما منظره ای است که در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران که لازمه آن مبارزه با هرگونه انحراف راست و "چپ" و حفظ پاکیزگی سیاسی رگزیست لنینیست در جنبش است، با بدهیم مشاوره و مباحثه منظم بین سازمان و حزب صورت گیرد و مباحثه علنی مسئولانه و ریفیقا نه بر سر موارد اختلاف متعین در موضع گیری های رسمی سازمان و حزب در سطح جنبش، طبعاً در شرایط گتونی یعنی در فقدان برنامه و استقامت و اتحاد انجام

وحدت سازمان و حزب امری غیراصولسی است. در چنین شرایطی اهمیت دادن به مشاوره ها و همکاری در سطح رهبری سازمانهای جنبش کمونیستی ایران بر برقراری تلاش های وحدت طلبانه می افزاید و پیگیری مسئولانه و متعهدانه این امر به بهبود مناسبات فیمابین یاری می رسد. با بدت کید کرد که هر حزب و سازمان سیاسی و انقلابی در برابرتیک مبارزاتی خود در معرض اشتباهات و انحرافات کوچک و گاه بزرگ قرار دارد. زندگی سیاسی و اجتماعی همواره در حال تغییر و تکامل است، بی نهایت طیفه گراگر کمونیست از تبیین و پاسخ گوئی درست به تناقضات گسترش یافته سیاسی و طبقاتی سازمان رزمیا دنیا بساطه تمکین و دنباله روی از تمایلات افسارگریز پرولتاری نتواند ندبه وظایف انقلابی خود عمل کند. ما در این حال روند زندگی و گسترش براتیک سیاسی ما را شما مکانگات تازه تری برای کشف حقایق تازه و تصحیح و تدقیق ارزیابی ها و اشتباهات از خطاهای گذشته فراهم می آرد. ما می توانیم و باید این امکانات را با زناسیم و در فضائی ریفیقا نه و خلاق برای تحکیم وحدت صفوف خود و صفوف همه کمونیستهای میهنمان بهره گیریم. این کار نیاز به جنبش انقلابی ما است.

درس گیری از خطاهای و تجارب مثبت و منفی با بدباجارت و مراعات انقلابی و بنا نهیبت دقت و احتیاط لازم صورت گیرد. جمعی بیست نام در دست از اشتباهات و تجارب مبارزه به جنبش آسیب می رسد، تحجیر همه جانبه به مواضع درست و اصولی را دشوار می سازد و از گسترش نقود و پراشیک مبارزه سیاسی و طبقاتی در میان توده های ما کاهد.

بر اساس این سیاست صحیح و اصولی مقاله حاضر می گوید که جنبش کمونیستی ایران در باره ارزیابی از خط مشی حزب در سالهای ۶۱-۵۷ را مورد بررسی قرار داده ضرورت تصحیح آن را مدلل سازد. قبل از تصویب اسناد مزبور گوشه ای معین بین سازمان و حزب صورت گرفت تا ارزیابی واحد از جمع بست براتیک گذشته بدست آید. متاسفانه در ارزیابی اختلاف نظر بدید آمد. پس از برگزینی بلیتوم وسیع فروردین ۶۵ و کنفرانس ملی حزب توده ایران این اختلافات در شکل اسناد رسمی در سطح جنبش انتشار یافت، اکنون ضروری است که منباجات بر سر خط مشی و برنامه و اسناد منتشر شده حزب و سازمان بمنظور دستیابی به ارزیابی واحد با شکل مختلف از جمله مباحثه علنی در سطح جنبش ادا می یابد.

* * *

پس از انقلاب بهمن ۵۷ بجای رژیم پوسیده سلطنتی، رژیمی جایگزین آن شده که اهمیت و خط مشی آن بورژوازی بود. هیأت حاکمه جدید فاقد بیک سمت گیری مردمی بود و املاحتی که از سوی آن مطرح می شد، فاقد انسداد و پیگیری و قبل از هر چیز در خدمت خلق سلاح نیروهای کمونیست و انقلابی و تحکیم حکومت روحانیت بود. ماهیت، ترکیب نیروهای متشکله هیأت حاکمه، ساختار سیاسی، بی باجارتی از حیث رژیم و سمت گیری عمومی آن مشخص می کرد که رژیم قادر نیست به خواسته های اساسی توده های پاسخ گوید.

روحانیت به رهبری خمینی که نقش اصلی را در قدرت سیاسی جدید بر عهده داشت از همان ابتدا پیگیرانه در صدد استقرار رژیم تشوکراتیک (ولایت فقیه) بود. روحانیت به رهبری خمینی در پی براندازی پایگاه شاه و سلطه نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا مواضع انحصاری روحانیون را از طریق رفتارندم جمهوری اسلامی، تبدیل مجلس موسسان به مجلس خبرگان، تصویب قانون اساسی ارتجایی، اجرای نقشه فدا انقلاب فرهنگی، سرکوب خلقهای ترکمن، کرد، و... با لخره طرد مخالفان حاکمیت انحصاری خود، از قدرت، تحکیم می بخشید و با گسترش شدید تاجات تازه علیه سازمانهای ترقیخواه و انقلابی موفقی شد در نیمه نخست سال ۱۳۶۵ رژیم تشوکراتیک و استبداد اوتختناقی سیاه قرون وسطایی را مستقر سازد.

در راستای تحکیم و تثبیت حاکمیت قرون وسطایی ولایت فقیه و سرکوب فاشیستی نیروهای انقلابی و مترقی، در ملتقای سالهای ۶۱-۶۲ در جانیبکار رومرتج رژیم بیورش و حشیانه و تشبیکارانه ای را علیه حزب توده ایران به اجرا گذاردند. عده کثیری از انضامیها و داران و اکثر افسار رهبری حزب با زداشت و مورد شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند. رویدادهای فوق مدلس می کرد که سمت اصلی تحول جمهوری اسلامی علیه اتحاد خلق، تشدید و پراکندن آن بود. اما سیاست جدول در قبال این تحول چه بود؟

حزب توده ایران طی سالهای پس از انقلاب بهمن در کا در سیاست اتحاد و اتحاد دبا "پیروان راستین" ما م "فعالیت می کرد. این خط مشی در تحقق اهداف سیاست حزب نمی توانست اتحاد دبا دیگر نیروهای انقلابی و مترقی را کسدر تقابل و مخالفت با رژیم قرار داداشندتا مین کند. چرا که خمینی و پیسروان (معمومکلائی) و نه تنها هرگز به تلاش های حزب که تحکیم و گسترش انقلاب بهمن را مد نظر داشته است، به پاسخ مثبت ندادند، بلکه علیه متحدشدن خلق عمل می کردند. بیورش گسترده و نا جوانمردانه پیروان خط امام به حزب و قیقا نه ترین تجلی کمونیسم ستیزی رژیم خمینی و پاسخ مستقیم او به خواست و علاقه پیگیر تمام می مطلق، دستجات سرما به داران و ملاکین بزرگ و امپریالیسم بود. این

بیورش و بی آمدهای ناشی از آن در جریان مظهر عینی و مستقیم ناکامی و شکست خط مشی و برنامه حزب (و ایضا سازمان ما) نیز بود.

پس از پشت سر گذاشتن عوارض مستقیم ضربات، بررسی و نقسادی خط مشی و برنامه حزب و سازمان منظور درس گیری از تجارب آن بوظیفه ای جدی تبدیل شده بود که می با یست به آن پاسخ گفت.

در فروردین سال ۶۵ بلیتوم وسیع کمیته مرکزی سازمان، سند "درباره سیاست و برنامه سازمان در سالهای ۶۱-۵۷" را به تصویب رساند. این سند که حاوی ریشته ارزیابی ها و نتیجه گیری های معین است، در ترمیم ۶۵ موردتشریح شد. حزب توده ایران نیز در خرداد ۶۵ کنفرانس ملی حزب را برگزار کرد و سند "ارزیابی خط مشی حزب توده ایران در سالهای ۶۱-۵۷" را تصویب نمود و در شهریور ۶۵ منتشر ساخت. مهمترین و کلیدی ترین مسئله مورد بررسی اسناد مزبور همانا ارزیابی از روحانیت به رهبری خمینی و چگونگی برخورد با وی می باشد. در این رابطه اسناد بلیتوم و کنفرانس ارزیابی ها و استنتاج های متفا و تنسی ارائه داده اند. مسلماً ما از هرگونه انتقاد صلی و سازنده به سند بلیتوم وسیع استقبال می کنیم. هم اینک بحث ما حول آن اسناد و درباره علل تشویریک خطاهای مربوط به خط مشی و برنامه در سازمان ما جریان دارد.

کنفرانس ملی حزب توده ایران خط مشی سیاسی حزب در چهار سال پس از انقلاب بهمن را بطور کلی به دوره زمانی تقسیم و مورد بررسی قرار داده است. بخش نخست از انقلاب بهمن تا پس از رویدادهای سال ۶۰ را در بر می گیرد و بخش دیگر از مقطع یاد شده تا هجوم به حزب در پایان سال ۶۱ را شامل می شود. کنفرانس ملی، علیرغم پذیرش برخی از اشتباهات خط مشی حزب را در دو سال و اندکی پس از انقلاب بهمن مجدداً موردتأیید قرار می دهد. گرچه بررسی و نقسادی کنفرانس ملی در مورد دوره پس از استقرار رگزیست تشوکراتیک تدقیق نیست چرا که تأیید مجدد خط مشی حزب در دوره اول، متناقض نمی توانستد در برخورد غیر دقیق نسبت به سیاست دوره دوم امتداد دنیا بد. اما آنچه که مورد توجه عمده ما است همان دوره اول است.

در بر خورد علمی و رگزیستی لنینیستی با خط مشی و برنامه در سالهای پس از انقلاب، قبل از هر چیز باید دید که ماهیت طبقاتی، اهداف سیاسی و برنامه ای و سمت گیری حاکمیت جدید پیوره روحانیت به رهبری خمینی چه ارزیابی، تحلیل و استنتاجی ارائه می شود. اسناد مصوب کنفرانس ملی درباره روحانیون شیعه و روحانیون به رهبری خمینی و پایگاه اجتماعی و تمایلات طبقاتی آنها می گوید:

"روحانیون شیعه یک قشر اجتمایی دهها هزار نفری بودند که با یک گاه اجتماع آنان را خرده بورژوازی، بورژوازی تجاری، بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران تشکیل می دادند و در این حال به لحاظ ایدئولوژی و احسد دارای منافع صنفی مشترکی بودند... جناح محافظه کار روحانیت که عمدتاً بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران تشکیل داشت، در هر اسب از ویژگی نهدت انقلابی با رژیم شاه از درسا زین در آمد. اما جناح دیگر به رهبری خمینی که بیشتر از خرده بورژوازی و بیورژوازی تجاری متاثر بود، در موضع ضد سلطنتی و فدا میریالیستی (به ویژه امپریالیسم آمریکا) قرار گرفت. مبارزه این جناح از روحانیت به موازات او و جگیری جنبش توده ای وارد مرحله جدیدی شد.

کنفرانس ملی می گوید "با پیروزی انقلاب بهمن، کلیه جناح های هیئت حاکمه سابق از حاکمیت برکنار شدند و قدرت سیاسی به طیف وسیعی از نمایندگان (معمومکلائی) خرده بورژوازی، لایه های بیابانی، بیورژوازی تجاری و بیورژوازی لیبرال منتقل شد که در حاکمیت گذشته شرکت نداشتند. کنفرانس ملی افزود: "نمایندگان طبقه کارگر و بخش مهم سایر نیروهای انقلابی و دمکراتیک در قدرت سیاسی نشدند و این نقطه ضعف اساسی انقلاب بهمن بود.

کنفرانس ملی ضمن برشمردن اقدامات حاکمیت جدید از جمله "اخراج مستشاران و برجیان پایگاههای نظامی آمریکا در ایران، ملی کردن ۷۰٪ صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصارهای خارجی و در اختیار گرفتن حدود ۶۰۰ مؤسسه صنعتی کوچک توسط دولت، ملی کردن بانکهای خصوصی... تصویب قانون اصلاحات ارضی... افزایش دستمزدها... سبسادت دولت درباره زرگانی خارجی... خروج از پیمان سنتو... و غیره... نتیجه سه می رسد که "بخشی از اهدقهای ملی و دمکراتیک انقلاب توسط حاکمیت جدید تحقق یافت"

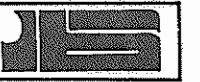
کنفرانس ملی آنچه را که باید به عمل درآید تا همه اهداف ملی و دمکراتیک انقلاب تحقق یابد چنین بر می شمرد:

برنامه حزب (منظور برنامه مصوب سال ۶۱ کمیته مرکزی حزب است) افزون بر اینها خواهد نامین استقلال کامل اقتصاد و سیاسی ایران، برجی شدن بقایای مناسبات ما قبل سرمایه داری و اتحاد دستگیری سوسیالیستی و دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور بود. کنفرانس ملی شرط عمده تحقق موارد فوق را "ایجاد طبقه متحد خلق با شرکت همه نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و از جمله روحانیت مترقی شرکت کننده در انقلاب" می داند.

کنفرانس ملی از روحانیت مترقی شرکت کننده در انقلاب "نام بسوده و آنرا جزو نیروهای ملی و دمکراتیک و جبهه متحد خلق بحساب می آورد. سند کنفرانس ملی این روحانیت را جزو نیروهای تحت رهبری خمینی می نماند و به نقل از اسناد بلیتوم ۱۶ می گوید حزب پس از انقلاب "دست یابی به هدفهای فاز نخست انقلاب را در گرو تشکیل جبهه متحدی با اتکا به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهروست و با شرکت حزب توده ایران، سازمان چریکیهای فدائی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای تحت رهبری خمینی، گروههای مترقی روشنفکران و بخش دمکراتیک سرمایه داری ملی بر پایه برنامه مشترک می دانست" (شاکبدا زمانست)

بدیهی است تا زمانیکه نیروهای ملی و دمکراتیک "در آن شرایط تحت رهبری خمینی و روحانیون پیرو او مبارزه می کردند نمی توانستند اسب نقس و عملگردی خلاف خواسته های این رهبری و اهداف و سمت گیری های وی داشته باشند. مهمترین وظیفه اتحاد فقیه سیاسی روشن برای گسست و جدانشدن نیروهای ملی و دمکراتیک "از خمینی و روحانیون پیرو او بود. کنفرانس ملی به این نکته مهم و اساسی توجه نکرده است. در رابطه با ضرورت و وظیفه عمده سیاسی این جبهه می گوید "بنظر حزب توده ایران این جبهه می با یست مدی در برابر تلاشهای سازگارانه جناح سرمایه داران لیبرال ایجاد می کرد. ما اعتقاد داریم "تنها از این راه می توان به این هدف رسید که همه مردم... از نتایج محسوس و مشخص انقلابی که با خون خود به پیروزی رسانده اند، بهره مند شوند"

واقعیات مسلم تاریخی نشان می دهد که علیرغم عدم تشکیل جبهه پیشیندای حزب توده ایران در آن سالها، روحانیت به رهبری خمینی با هدف دست گیری ارتجایی خود متفا بر با هدفی که حزب در آن سالها تصور می کرد و کنفرانس ملی بر آن انگشت نهان کید کرده، از یکسودر برابر تلاشهای سازگارانه جناح سرمایه داران لیبرال "سدا بجا دکرد، و از سوی دیگر توده های وسیع



مردم را با فاجعه بزرگ شوم چون رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی و لایست فیکر و بورسواخت رژیمیکه مسبب بزرگترین دردها و آلام جنگ و ویرانی، بیکاری و سقوط فرهنگی و غیره است.

خمینی و روحانیت پیرو او از فزونی تر رفتن انقلاب ایران از سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم و اقدامات ضدانقلابی هراسان بودند. آنها از همتان فردای پیروزی انقلاب با دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی و مسکن مخالفت برخاستند و جهت انفرادی نیروهای انقلابی، هیچ فرستی را از دست ندادند و برای قبضه همه قدرت بدست خود استقرار رژیم تنگروا تکیه و "جامعه اسلامی" علیرغم اینکه شامل قوا در جامعه اجازه استقرار رفواری آنرا نمیداد، دست بکار شدند.

در حکومت جدید روحانیت حاکم به رهبری خمینی قبل از همه برای تأمین منافع روحانیت بمناب یک تئوراجتماعی مبارزه می‌کرد. این روحانیت در عین حال منافع طبقاتی بورژوازی تجاری با زار، خرده بورژوازی سنتسی و مالکان ارضی را منعکس می‌کرد و حاصل گرایشهای متفاوت این نیروها بود و بیشترین پیوند را نیز با آنان داشته‌سند مصوب پلنوم وسیع بر اساس این ارزیابی‌ها تا کید می‌کند:

ما هیت و سمت گیری حکومت جدید بورژوازی بود. این حکومت در عین تأمین منافع نیروهای طبقاتی حاکم، بیش از همه در خدمت سرمایه داران بکار آمد. قرار می‌گرفت و در پی استقرار ولایت فقیه بود، لذا انقلاب را با شکست روبه رو می‌ساخت.

اما سند کنگفرانس ملی از جنبین استنتاجها و تحلیل‌های دور و حتی بیگانه است سند کنگفرانس ملی ارزیابی‌ها نادرستی از انقلاب و روحانیت پرهیرو خمینی و هدف آن یعنی استقرار حاکمیت انحصاری روحانیت ارائه داده است خمینی سالها قبل هدف اصلی سیاسی خود را تأمین منافع قشر روحانیت و ایجاد حکومت مذهبی مشخص کرده بود. خمینی کتاب "ولایت فقیه" خود را که اساس در خدمت توضیح و تشریح جنبین حکومتی قرار داد در نیمه دوم دهه ۴۰ منتشر کرد. ساخته هیچ کس در آن سالها این "رویا" را جدی نمی‌گرفته هنگامیکه خمینی در راه براندازی حکومت شاه و رژیم سلطنتی و براندازی سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم رژیم می‌گردد و توانست در آن جنبین و انقلاب و حاکمیت جدید قرار گیرد، این اتویی عیب می‌نمود، بویژه آنکه با الزامات عینسی و اجتماعی را در جاد جمع و در شرایط جوش و خروش انقلابی توده‌ها و سرنگونی قهرآمیز رژیم سلطنتی که کلیتاً فتح آیینده محسوب میشدند بق نداشتند. ما خمینی و روحانیتون پیرو او با تمام قوا و با تمام نورهی گوناگون و حیل‌گری‌های مختص خویش با تکیه بر آگاهی نازل توده‌ها و اعتماد وسیع آنان با طرد سرکوب گسترده و بی‌گیریه مخالفان مختلف خود، آنچه را که اتویی بنظم می‌سید، به واقعیت مسلم تبدیل کردند. گرچه خمینی و روحانیتون پیرو او از سئنه انقلاب و پیروزی آن و در شرایطی که تعرض انقلاب به مواضع امپریالیسم و ارتجاع سرنگون شده ادامه یافت، وعده‌های بسیاروعارهای رادیکال مبنی بر برآورده ساختن خواسته‌های اساسی توده‌های مردم می‌دادند، اما آنها اغلب از آنچه که بنفع توده‌ها بعمل در می‌آمده است بر سر گناه بسبود حفظ پایه توده‌ای خود قبضه انحصاری قدرت و "شخصیت" و گسترش حاکمیت بلائنا ز خود سپهر برداری می‌کردند. بدون درک و شناخت اهداف وسیع کسری روحانیت پرهیرو خمینی و این ویژگی انقلاب که در رهبری آن جنبین روحانیتی قرار گرفته است اولاً نمی‌توان تحلیل و ارزیابی صحیحی از پیروزی انقلاب بهمین و علل شکست آن ارائه داد. بطریق اولی نمی‌توان نقادی کاملی از علل شکست خط مشی سیاسی ویرانه پستیانی از خمینی ارائه کرد.

طبعاً با ارائه جنبین ارزیابی‌ها نمی‌توان خط مشی سیاسی پستیانی از حاکمیت روحانیت به رهبری خمینی (در همان دور نخست مورد توجه کنگفرانس ملی) را درست و اصولی نامید. سند پلنوم وسیع فروردین در مورد سیاست درست پس از پیروزی انقلاب بهمین جنبین می‌گوید:

"با پیروزی انقلاب بهمین هدف استراتژیک ما در مرحله انقلاب ملی - دمکراتیک مردم ایران تحقق نیافت و بقوت خود باقی ماند. سیاست درست در این راستا نیز همچنان مبارزه در راه بسیج توده‌های خلق تحت رهبری خود و مبارزه در راه اتحاد نیروهای چپ و دمکراتیک و گسترش آن به اتحاد همه نیروهای خلق و تأمین هژمونی طبقه در آن و انتقال قدرت به این طبقه آلترا نیویو بود."

سند پلنوم می‌گوید که سازمان از آنجا که بر این باور نبود که حکومت خمینی می‌تواند خواسته‌های اساسی توده‌های قیام کننده را بر آورده سازد پستیانی حکومت خمینی نبود. این سیاست درست بود، اما سازمان نمی‌توانست در پستیانی از اقدامات حکومت جدید خلق یداز سرمایه داران بزرگ وابسته و براندازی مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم تردید نشان می‌داد. و در باره دوره‌ای که از تصویب قانون اساسی بقایا ارتجاعی جمهوری اسلامی آغاز می‌گردد نیز می‌فرماید:

"... سیاست ما می‌بایست همچنان عدم پستیانی از حکومت... می بود. ما سند کنگفرانس ملی بر اساس تحلیل‌ها و ارزیابی‌های خود بنظریات زیرین می‌رسد: "نمی‌توان بین سیاست جناح بورژوازی لیبرال و جناح معینی از روحانیت که در موضع مشابهی با آن قرار داشتند با جناح دیگری که بر آورده ساختن بخشی از آماج‌های انقلاب را ضروری می‌شمرد اعلامت تساوی گسندارد. نیروهای جناح اخیر به پیروان "خط امام" مشهور بودند که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها دارای پایگاه اجتماعی خرده بورژوازی بودند و ملاحظه شد که گانه داشتند. در جنبین اوضاع و احوالی پیروی از اصل "اتحاد و انتقاد" یگانه شیوه درست مبارزه بود. این اصل توسط حزب ما در قبایل کل جناح از حاکمیت که دارای پایگاه توده‌ای بودند مورد توجه نیروهای انقلابی و دمکراتیک بکار گرفته شد."

سند کنگفرانس ملی در پی نتیجه فوق الذکر از شرکت حزب توده ایران در رفواند جمهوری اسلامی و دیگر همه پرسی‌ها و... دفاع کرده و می‌گوید: "شرکت حزب توده ایران در همه پرسی‌ها و انتخابات با مطرح شده از سوی رژیم، هم در جیا رجب همین سیاست "اتحاد و انتقاد" انجام می‌گرفت و اضاقه می‌کند حزب با حفظ نظریات و تناقضات خود و تفکیک نقاط قوت و ضعف هر برنا مه رژیم در همه پرسی‌ها شرکت می‌کرده است. لذا "تحریم یک جانبه این انتخابات و همه پرسی‌ها که توده‌های میلیونی مردم دا طلبانه در آن شرکت می‌کردند، جزا نروای سیاسی ما نتایجی نمی‌توانست برده داشته باشد."

این تحلیل از یک سو برای جلوگیری از انزوای حزب همه پرسی‌های رژیم را مورد تأکید قرار می‌دهد و از سوی دیگر بر ضرورت مقابله با اصل "ولایت فقیه" تا کید می‌ورزد. سند می‌گوید: "اولی این بود که حزب اصل ولایت فقیه را قاطعانه و بطور صریح مردود اعلام می‌داشت. برواض است که رد قاطعانه اصل ولایت فقیه بدون افتکاری‌های بی‌گیر سیاسی در تمام مراحل و هشدارهای مکرر در باره خطرات عظیمی که با پیاده شدن آن متوجه انقلاب و توده‌های مردم

بود، نمی‌توانست عملی گردد. دلایل و توضیحاتی که در سند کنگفرانس ملی در مورد شرکت و تأکید "نظر خواهی‌ها، همه پرسی... آمده است در رابطه مستقیم با خط مشی اتحادی روحانیت به رهبری خمینی قرار دارد. دادن رای حتی با حفظ نام اتحادیه قانون اساسی که در سرلوحه آن ولایت فقیه قرار دارد با رد قاطعانه آن منافات دارد.

واقعات و مدلل می‌سازد که افشای اهداف و سمت گیریهای ارتجاعی خمینی توسط نیروهای انقلابی و مترقی علیرغم نفوذ گسترده خمینی در میان توده‌ها و ذهنیت سطح آگاهی آنها، کاملاً محلی و ضروری و میسر بوده است. می‌بایست در آن مرحله به طرق و اشکال متنوع و موثر با تلاش‌های روحانیت برای مشروعیت بخشیدن به روند استقرار رژیم قرون وسطایی بی‌گیرانه مبارزه می‌شد. طبعاً عوا مقربینی‌های خمینی و تحریکات عمال و فیکرها محدود و گسترده تر برای پیشا هتک انقلابی بهرام می‌آورد. اما با بدبیا د داشت که بواسطه وجود تعداد قوا در جامعه و شرایط دمکراتیکسیم وسیع سیاسی ناشی از نتیجه مستقیم و بلاواسطه انقلاب بهمین (با برهیز از برخوردی چپ روانه و خوشونت آمیز) کار تبلیغی و افشاگری در میان توده‌های مردم تا شایرت معین و آگاه‌گرانه بهرام داشته است.

کنفرانس ملی علاوه بر ارائه دلایل و ارزیابی‌های مربوط به صحت مشی سیاسی حزب در دوره زمانی پس از انقلاب ولی رشت دلایل و ضرورت‌های تاکتیکی و عملی را برای اتخاذ تاکتیک مناسب و اصولی مبارزه مطرح می‌نماید. در این رابطه می‌گوید: "حزب توده ایران این تاکتیک را با در نظر گرفتن حداکثریت قاطع توده‌ها از خمینی برپا یه با و راهی مذهبی و اعتقادات استوره‌ای آنها و نیز وعده‌هایی که در زمینة تحقق آماج‌های مردمی انقلاب می‌دادند، تنظیم می‌کرد. مستثله عمده برای حزب ما در آن مقطع زمانی جنبین توده‌های مردم از طریق بردن برنا مه حزب بین آنها... حزب ما موفق بودی توجه به برخورداری خمینی از پایگاه عظیم توده‌ای، تاکتیک برجسته کرد و مواظلبه اجرای وعده‌هایی که حاکمیت جدید به توده‌های میلیونی خلق داده بود را در پیش گیرد. نتیجه آنجا ذین شیوه اصولی مبارزه از دو حال خارج نبود: با سران رژیم به خواست رحمتکشان جامعه عمل می‌پوشاندند و یا از اجرای آنها سر باز می‌زدند که سلاش را طیف جدا شدن توده‌ها از حاکمیت را فراهم می‌آورد."

اتخاذ تاکتیک بدون تعیین هدف‌های عمده مرحله‌ای و یا بعبارت بهتر بدون تعیین استراتژی روشن سیاسی هرگز نتوانسته‌اند تا به تنهایی این جنبین انقلابی را به سوی پیروزی رهنمون کرده، حتی تا کتیک‌های درست در رابطه با استراتژی نادرست به حال متضمن مقموند می‌ساخته در شرایط مشخص آن روز انحطاط پذیری در تاکتیک‌ها که امری کاملاً ضروری و درست بود، تنها زمان پستیانی نبود است متضمن مقمودبا شکده در خدمت بسیج، تدارک قوا، شکل و اتحاد نیروهای دمکراتیک کشور و ایجاد یک آلترا نیویو انقلابی و دمکراتیک در مقابل رژیم بود. کنگفرانس ملی درباره مشی استراتژیک حزب با آنها هم سخن می‌گوید کنگفرانس اعلام نمی‌کنند که سمتگیری خمینی و پیروان او در کدام جهت گسترش می‌یافت. جنبین آنها هم بزرگی بمعنی تعلیق خط مشی استراتژیک است و همچنان راه را برای گسست اهداف استراتژیک تا کتیک بازمی‌گذارد.

مواقع کنگفرانس در باره رویدادهای نیمه اول سال ۶۰ نیز برپا به تحلیل و ارزیابی غیر واقعی از روحانیت حاکم استوار است. سند کنگفرانس ملی درباره عامل تعیین کننده و اصلی در استقرار کامل رژیم تنگروا تکیه بر پستیانی از رویدادهای سال ۶۰ که قبل از همه از اهمیت روحانیت حاکم نشأت می‌گرفت سکوت می‌کند و صرفاً به تأثیر وقایع و رویدادهای اول سال ۶۰ اشاره و بسنده می‌کند. رویدادهای ۳۰ خرداد، ۷ تیر و غیره پیور که منجر به گسست شده‌ای از شخصیت‌های جمهوری اسلامی شد، زمینه را برای تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت و حاکم شدن کامل جوترو و اختناقی پلیسی در جامعه بیشتر فراهم ساخت تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت... نمی‌توانست در چرخش قطعی سیاست رژیم به راست موثر شیفند. رهبری حزب در ارزیابی این روند تا خیر کرد. (تا کید از ما ست)

سند کنگفرانس ملی تلویحا می‌پذیرد که قبل از این رویدادهای هم روندها کس شدن کامل جوترو و اختناقی پلیسی هم سیاست راست روانه رژیم وجود داشته در واقع رویدادهای اول سال ۶۰ در تسریع و تشدید فاجعه بسیار فئار بر جنبین دمکراتیک تا نیوانکارنا پذیرداشته است. اما خطاست هر گاه در استقرار رژیم ولایت فقیه و سلطه سرکوب‌گرانه آن چیزی جز ما هیم نیست جریان پیرو خمینی و سمت گیری آن را دارای نقش تعیین کننده تلقی کنیم. معاً لومف کنگفرانس ملی می‌گوید، رویدادهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب، محت ارزیابی‌های حزب در زمینه خود ویژگیها و ویژگی‌های رویداد انقلاب بهمین را به اثبات رسانده است. بنظر ما این طور نیست. سند کنگفرانس ملی مشخصاً از نشانه‌های ارزیابی صحیح خود ویژگیها و ویژگی‌های رویداد انقلاب و قبل از همه ارزیابی درست و دقیق از روحانیت حاکم به رهبری خمینی بدور مانده است.

بجهت وجود اینها و تناقضات در سند کنگفرانس ملی سه ماه پس از انتشار سند کنگفرانس ملی، ارگان مرکزی حزب توده ایران در شماره ۱۲۸ خود می‌نویسد:

"در این فاز مبارزه، روحانیتون پیرو خمینی با وجود تطبیف گسترده با پایگاه اجتماعی شان عمدتاً شعارهای خلقی انقلاب را که حزب ما و برخی دیگر از سازمانهای انقلابی مطرح می‌کردند به اریت گرفتند و بدینسان خود را مدافع سرسخت منافع توده‌های محروم جامعه معرفی کردند."

در چنان شرایطی، چنانچه در اسناد مصوب کنگفرانس ملی تأکید شده است حزب توده ایران، شکل مبارزه بردن شعارهای ضد امپریالیستی، فسید سرمایه داری و خلقی به میان مردم به قصد کافتن هر چه بیشتر مضمون آنها... به رژیم تحمیل کرد... هدف نیز در این مرحله معین بود: جدا کردن توده‌های میلیونی مردم از آن گروه او رهبرانی که به علل عدیده قادر به بر آورده ساختن خواسته‌های آنها نخواهند بود، از طریق نشان دادن زیونسی، بجا رادگی، دورویی فروما بگی و فروما ندگی سران مترج رژیم. در این سیم جنبین شکل از مبارزه راهی برای جدا کردن توده‌ها از سران و پاسگرای رژیم وجود نداشته (تا کید از ما ست)

عبارت فوق با مشی سیاسی مورد تأکید کنگفرانس ملی منطبق نیست. زیرا خط مشی "اتحاد و انتقاد" با خمینی برپا به تا کید برزیونی، فروما بگی... سران مترج و پاسگرای رژیم بی ریزی نشده است، چنانچه مشی سیاسی مبتنی بر عدم پستیانی از حکومت و مبارزه علیه آن و نیز دربار آلترا نیویو انقلابی بمنظور انتقال قدرت سیاسی به این آلترا نیویو بود، در این صورت با توجه به نفوذ عظیم خمینی در میان توده‌ها، سطح آگاهی و تشکل آنها و غیره کار بست تا کتیک مورد نظرنا مه مردم می‌توانست طی یک دوره معین در جهت افشاکری ما هیت ارتجاعی رژیم و افشاد آن و بسیج توده‌های خواهان عدالت گرد نیروهای مدافع دمکراسی و عدالت موثر افتد.

از مبارزات کارگران نفت جنوب

خوزستان و زحمتکشان آن بیش از هر جای دیگری در آتش جنگ و بیابا دهخینی سوخته اندومی سوزند. خوزستان بمعنای واقعی کلمه میدان جنگ است بیش از ۷۰ سال است که زیر چرخهای تانک ها و شوب ها میوزد و شیار می شود. آنچه که در شهرهای خوزستان محکم خورد و پورانی و فلکات است. گرانی و فقر و فلاکت و بیخانمانی بیادامی کند برخی از شهرها ویران شده اند و برخی دیگر نیمه ویران و لبریز از آوارگان جنگی است. بنا به آمار خود رژیم حداقل ۶۲۰۶۲ نفر فقط در خوزستان برآکنده اند. بمبارانهای وحشیانه هواپیماهای عراقی مدام خانه و کاشانه مردم و شهرهای آوارگان را به آتش میکشند. خوزستان خود یک مجروح جنگی است و لفظ به لحظه سرخسهای بیکسری افزوده می شود. رژیم خمینی دهها هزار تن از مردم این استان را با خاک و خون آکنده و نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر را از خانه و کاشانه و سرزمین خویش آواره کرده است. موسسات صنعتی از میان میروند و کشتزارها به آتش کشیده می شوند. دسترنج یک خلق در آتش می سوزد و این آتش هر روز بیشتر و بیشتر زبانه می کشد.

در دور جدید جنگ شهرها " بازمه اواز، مسجد سلیمان، دزفول، اندیمک، شوش، هفت تبه و سنگرد، میناران شدند. مسجد سلیمان و دزفول برای چندمین بار بمباران شد. تخلیه شدند، واحدهای صنعتی نفت، یونیت ها، تلمبه خانه ها، ایستگاههای تقویت فشار و تریک های، بالایشگاه های کساز و پتروشیمی، گشت و صنعت هفت تبه، راه آهن اهواز، هفت تبه و پل های راه آهن، سیلوا، مجتمع فولاد اهواز، مجتمع صنعتی نورد، کرین بلک را مین و هرمزگان، تا سیاحت تولید برق سدزو... میناران شدند. و برخی از آنها دچار آسیب های غیر قابل ترمیم گشتند. در حمله هوایی پنجمین ۲۹ تانک ۵۰۰ پانزده اهواز که ۵۲ هواپیما شرکت داشت، مجتمع فولاد اهواز، نیروگاه زرگان، میکروسیا اهواز، کارخانه تقطیه تکران اهواز و پنج نقطه مسکونی میناران شد. هفت روز بعد (هشتم آذر) رژیم عراق با ۳۴ هواپیما مناطق مسکونی شهر و تاسیسات آبرسانی را مورد حمله قرار داد. در این حمله فقط ۱۴ نفر در آبریا شهروان کشته شدند. پس از این دو تهاجم بیابانی که در تاریخ جنگ جنایتکارانه ایران و عراق بی سابقه و ضوئه وار بود، در روز ۲۷ دی ماه نیز هرسه واحد مجتمع نورد (صنایع فلزی، ذوب اولوله سازی)، خوابگاه دانشجویی دانشگاه اهواز، تاسیسات راه آهن و... نیز بمباران شدند. در مسابقه کشتار که میان خمینی جنگ طلب و صدام جنایتکار جاری است، بازندگان اصلی بیرونهای مردم زحمتکش هستند. آنچه که از بین می رود جان و هستی و ثروت زحمتکشان است و آنچه که بر جای میماند نفتا هر چه بیشتر بر کرده مردم ستمدیده و فلاکت دم افزون آنهاست. کارگران نفت خوزستان، هم بعنوان بخشی از مردم این استان ستمدیده در معرض بیادادند و هم فشارهای ویژه ای بر دوش آنها سنگینی می کنند.

اهمیت تولید نفت در ادامه جنگ و ادامه حیات رژیم جمهوری اسلامی موجب شده است که رژیم به سیاست " تولید بیشتر قیمت" متوسل شود. با توجه به قرار گرفتن اصلی ترین مراکز تولید و پالایش و صدور نفت در کانون اصلی جنگ - یعنی خوزستان - و نیز وضعیت عمومی اقتصادی کشور و سیاست های ضد کارگری رژیم فشار فوق العاده ای بر کارگران نفت تحمیل می شود. میناران داعمی واحدهای نفتی همواران کارگران را تهدید می کند. فقط درش ماه اول سال ۶۵ در بمبارانهای مداوم واحدهای نفت، کساز و پتروشیمی در اهواز، آغا جاری، خارک و ما شهر حدود ۱۲۵ کارگر کشته و بیش از ۴۰۰ نفر بسختی آسینیب دیده اند. تخریب واحدهای نفتی و پالایشی میناران و اندام آنها از یک سو و کمیابی و نابرابری قطعات یدکی و امکانات تکنولوژیک مورد نیاز در همسایه زمینه های اکتشاف و تولید استخراج و صدور نفت از سوی دیگر، سختی کار را چند برابر می سازد.

سیاست نوین اقتصادی رژیم و ماهیت ضد مردمی آن موجب آن شده است که رژیم به سراسر سرته جویی هر چه بیشتر و کم کردن تعداد " نان خیرها" کارگران نفت را نیز همچون کارگران دیگر رسته ها دسته دسته از کار اخراج نماید. رژیم با اخراج بخشی از کارگران، برای جبران کمبود نیروی کار، حجم کار را تا آن ریمان بغیبه کارگران سرکش کرده و بدین ترتیب از یک سو عده ای را از کار بیگانه می سازد و از سوی دیگر بر شدت استثمار دیدگان می افزاید. مزایای خاصی کار در مناطق نفتخیز بعنوان محمول سالیان مبارزات کارگران، از سوی رژیم حذف شده است. حق سختی کار، حق راه (ایاب و ذهاب) حق خواربار (با فلاح رشن ماهانه شامل آرد، برنج انواع حبوبات، شکر و...)، تا مین رایگان منزل

ویژه کارگری، پرداخت حق مسکن، پرداخت اخافه کاری و حق نوبت کاری، لباس کار، کفش کار، دستکش کار، مزایای ویژه خانواده های کارگری و فرزندان کارگران و... از جمله مزایایی بود که رژیم جمهوری اسلامی در ظرف سال حاکمیت خود بتدریج از کارگران باز پس گرفت و آخرین آنها لغو معافیت پرداخت پول آب و برق مصرفی کارگران بود که به جهت گرما بسیار زیاد خوزستان در عمده ازال و ضرورت استفاده از آب و برق برای تهیه، هزینه هنگفتی بر کارگران تحمیل می نماید.

رژیم همه واحدها را موظف کرده است تا تعداد معینی از کارگران خود را بعنوان " داوطلب" بسسه جبهه ها گسیل دارد. معمولاً به دلیل داوطلب نشدن کارگران، مزدوران رژیم با سر فتندهای چسیون تا کیدر "مقدم جبهه جنگ به جبهه تولید" تهدید به اخراج، قهر عکشی، اعزام نوبتی و منظور کردن " امتیازات خاص" برای کارگران جبهه رفتسه، بختی از کارگران راه مدها برای جنگ و کشتار میروانند.

هر چند مستم چنگدانه ای که از سوی رژیم بسر کارگران خوزستان تحمیل می شود خود زمینه مناسبی برای توفان جنبش کارگری در این منطقه است ولی باره ای عوامل عینی و ذهنی بر روند حرکت کارگران نفت خوزستان تا ثیرات منفی قابل توجیهی بسر جای می گذارند.

ناتراحتی و ستر عمو می کارگران از رژیم و فر اگیر و هگانی بودن حرکت ا تحمیلی و خود انگیختگی و سازمان یافتگی این حرکات دوشخصه اصلی عمو می مبارزات کارگران نفت خوزستان را تشکیل می دهند.

ابعاد نا رضایتی در میان کارگران در چنان حدی است که جز استعدادی معدودا مزدوران رژیم - که در انجمن های اسلامی و سایر نهادهای متشکلند - کسی از رژیم دفاع نمی کند. علیرغم جوارع بار همه جا عوامل رژیم تنها اقلیتی کوچکند. در هر جا که جنگ شرایط سخت و غیر قابل تحمیلی را بوجود می آورد، جنبش های اعتراضی کارگران علیرغم جوارع بار و خفقان و سطح نازل فعالیت پیشاهنگ در میان آنان در کمترین زمان گل کارگران را به مبارزه کشانیده است.

در کنار این روحیه اعتراضی نیرومند و فراگیر (بدیده منتب) خود انگیختگی و سازمان یافتگی بی سابقه بدیده ای منفی عمل نسوده و دامنه جنبش را محدود و نوزغی آنرا اندک می سازد.

رژیم جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت ضد کارگری و ضد خلقی خویش، دمن هر گونه تشکیل مستقل کارگری است و به دلیل اهمیت استراتژیک کارگری هر اسان است و حتی ایجاد شوراهای اسلامی کار در صنایع نفت را مشروط به اجازه نهی است و ویران کرده است. رژیم با توجه به نیسان کارگران به شکل های کارگری، مدتها کوشیده انجمن های اسلامی را بعنوان نماینده کارگران معرفی کند ولی در نتیجه رسوایی و انفرادی بین انجمنها در میان کارگران، تا کز بر عین نشست و اعتراف نموده انجمن ها حق نمایندگی کارگران با کار فرما را ندارند و بهیتر است " نقش ارشادی و هدایتگر" داشته باشند.

کم کاری، اعتصاب و ترک کار از اشکال رایج حرکات اعتراضی کارگران نفت است گرچه مضمون اصلی این مبارزات، صنفی و مطالباتی است ولی حرکات اعتراضی در صنایع نفت با توجه به مجموعه سیاست های ضد خلقی و ضد کارگری رژیم و مسئله جنگی با فلاح خصلت سیاسی و ضد رژیم بخود میگیرد. انگیزه ها و عوامل اصلی مبارزات کارگری در مناطق نفتخیز در درجه اول عدم امنیت جانی در اثر بمبارانهای هوایی، اعزام اجباری به جبهه ها عدم امنیت شغلی و اخراج از کار و سپس خواسته های اقتصادی و رفاهی می باشد. بیگیری و ادا مه کاری اعتصابا دتبقا به انگیزه و خواست کارگران استگی دارد. در صورتی که مخالفت با جنگ و خواست امنیت جانی، موضوع اعتصاب باشد، کارگران حتی به قیمت اخراج از کار نیز حاضر به تسلیم نیستند. ادا مه مبارزات کارگران در این موارد معمولاً منجر به دستگیریهای وسیع و بیگدرهای گسترده می شود. در این مرحله است که تا مین بخشی از خواسته های کارگران می تواند به اعتصاب پایان دهد. در صورتی که خواست عمده کارگران خواسته های اقتصادی و رفاهی باشد حرکت هم از نظر کمیته شرکت کنندگان و راهی از نظر کیفیتی ضعیف تر است و زودتر عقب نشینی می کند.

تا کتیک اصلی رژیم در بر خورد با حرکات کارگری در درجه اول فریبکاری و وعده های دروغین و سپس تهدید و بیگدر و دستگیری است. در تمامی مواردی که کارگران در واحدهای تولید و بهره برداری نفت و گاز به مبارزه با سیاستهای ارتجاعی و جنگ طلبانه

رژیم برخاسته اند، رژیم ابتدا با عنوان کسردن شرایط ویژه و سخت واقع جنگی تلاش کرده است کارگران را فریب داده و وادار به صرف نظر کردن از خواسته های خود کند. اگر فریبکاریهای آن در میان کارگران موثر نباشد، مزدوران رژیم دست به تعقیب فعالین جنبش دستگیریهای گسترده میزنند. با توجه به حساسیت فراوان واحدهای نفت، رژیم می کوشد در وهله نخست از تا کتیک فریب بهره گرفته و با بر آوردن آن بخش از خواسته های کارگران کسه متضمن هزینه زیادی نیست، بکارگران را به سرکار بازگرداند ولی معمولاً دلیل وجود کارگران آگاه و مبارز در میان توده کارگران، بنا بر اینی شدید شده توده کارگران رژیم و نیرو مند بودن انگیزه های اعتصاب، بکارگران سادگی تن به عقب نشینی نمی دهند. در این مرحله از مقادیمت کارگران، رژیم به اخراجهای وسیع و تطبیق ها و تبعیضهای گسترده اقدام می کند. اما علیرغم همه فشارها، مبارزه و نشتگران فروکش نکرده و همچنان ادا مه دارد. در زیر به نمونه هایی از مبارزات کارگران خوزستان اشاره می شود:

اعتصاب بالایشگاه گاز بیدیلند

در چنان بمبارانهای مراکز صنعتی در بیا سال ۶۴، که بالایشگاه گاز بیدیلند شدت بمباران شدت ادا می از کارگران کشته و زخمی شدند. رژیم طبق معمول کوشید تا با استفاده از کشته و زخمی شدن بخشی از کارگران، بخش دیگر را به تهیه جبهه ها اعزام کند. کارگران مخم مخالفت با رفتن به جبهه و قهر عکشی و دسته بندی و نوبتی کردن جهت اعزام، دست به اعتراض و کم کاری زدند. آنها مصرا نه خواهان شرایط امن برای ادا مه کار بودند. شرایط برای گسترش موج اعتراضات و تبدیل آن به یک اعتصاب همگانی کاملاً فراهم بود. مسئولین نفت جنوب، جهت عقب راندن کارگران، به بیان نامه با سازی کارخانه و ترمیم خسارات، کارخانه را بمدت یک هفته تعطیل کردند ولی کارگران پس از بازگشت بکار همچنان در خطر میناران بودند. خواسته های کارگران بنظر بیشتر می گشته با توجه به اینکه توبیوس های گولردا ربه جبهه ها فرستاده شده و تعدادی توبیوس کهنه و فاقد کولر به کارگران اختصاص یافته بود، آنها خواهان بهبود توبیوسها و وسایل آمد و رفعت به آغا جاری (مباران کوه و میدیه) و نیز بر پرداخت حق سختی کار و روح ایاب و ذهاب بودند. در چنین زمینه ای روز بیست خرداد که هوای خوزستان بسیار گرم بود، کارگری از فرط گرما در اتوبوس دچار گمراه زدگی گشته و پیشش دو همسین امرا انگیزه ای برای شروع اعتصاب کارگران گردید. اعتصاب با زمینه های قبلی یعنی مخالفت با جنگ و بمباران و خواسته های اقتصادی آغا زشدین از شروع اعتصاب، فعالین کارگری موفق شدند رهبری اعتصاب را بدست گیرند. به محض شروع اعتصاب تشکیلات سازمان ما در خوزستان با انتشار اعلامیه ای با درج خواسته های کارگران و علل اعتصاب از کارگران نفت خواست تا از این مبارزه پشتیبانی نمایند. علاوه بر اعلامیه سازمان ما که در واحدهای نفت و گاز توزیع شد، کارگران مجتمع فولاد اهواز نیز با دادن اعلامیه از این اعتبار اعلام پشتیبانی کردند. رژیم نخست کوشید تا با بر آوردن ساختن بخشی از خواسته های رفاهی کارگران را به تسلیم وادارد. ولی اعتصاب ادامه یافت. کارگران اعتصابی که غرضی (وزیر نفت) و نوالی (مسئول مناطق نفتخیز جنوب) را عوامل اصلی ناراضی می میدانستند خواستار برکناری آنان شدند. شما می کارگران، حتی اعضا انجمن اسلامی نیز به اعتصاب بگرا نهبوستند در نتیجه با یاداری کارگران و تشاد و اعتصاب، رژیم دست به تهاجم زد. در چنان این تهاجم رژیم دستگیر شده و برای معرفی فعالین اعتصاب تحسنت با زوجی و شکنجه قرار گرفتند. رژیم تعدادی از آنان را آزاد از کار اخراج نمود. اعتصاب مجموعاً ۲۰ روز بطول انجا میدوگرچه رژیم تنها به بر آوردن ساختن بخشی از خواسته های کارگران تن داد ولی بیکارچگی و شمارهای قاطع ضد جنگ تا شبر فوق العاده مثبتی بر روحیه کارگران نفت و گاز بخصوص در منطقه آغا جاری - بر جای گذاشت و بسر تجارب مبارزاتی کارگران نفت تجربه نوبتی افزود.

اعتصاب کارکنان خارک

در تابستان ۶۴ جزیره خارک بطور مداوم بمباران می شد و تلفات و ضایعات بسیار زیاد بود. در مهر ماه حدود ۴۰۰ نفر یعنی تقریباً تمام کارکنان نفست جزیره در اعتراض به تشدید جنگ و نداشتن تا مین جانی دست به اعتصاب زدند. بخشی از کارکنان اعتصاب کننده جزیره را ترک کرده و به شهرهای

انجمن اسلامی منحل باید گردد



نشریه "کار" از این شماره می‌گوشد صفحه‌ای را به درج و معرفی نمونه‌های شی از ادبیات، نقلابی و فرهنگ مردمی اختصاص دهد. در این شماره به‌مناسبت اول ماه مه، روز کارگر، سرود حماسی "استثمار بی" از سروده‌های معدنیجان اسبانیار می‌خوانید. از خوانندگان گرامی "کار" بویژه صاحب نظران تقاضا داریم که این صفحه را با همکاری‌های مسئولانه خویش غنی‌تر سازند.

استثمار پس

دیگر نمی‌گذاردیم
برپا کنندگان ستم
شیروی با زوانمان را تا راج کنند.
این قانون
شلاق ستمگران است
ما قانون دیگری خواهیم آورد
قانون اتحاد، کار، مساوات، آزادی.
در سرگناه اول ماه مه
شیبور "گمون" دمیده می‌شود
تا پرولتاریای سراسر جهان
این کار دسرخ تا ریخ‌پیا خیزد.
کارگران!
بیا دکمونارهای قهرمان
که پرچم سرخ را برافراشتند،
صف رزمندگان را فشرده‌تر کن!
دیروز را بیا در درزنجیر،
امروز را ببین در رزم
و فردا را بی‌شک در فتح.
ما پیش‌تازندنیای تازه ایم
پارتیزان‌های هدفهای اصیل
و در کوله‌ها مان؛
فردای نو
انسان نو
زندگی نو را بر پشت می‌کشیم.
آنجا بر پیشانی افق
آن ستاره سرخ را می‌بینی؟
هر شش‌انگش مال ما است
مال من، تو، همه،
اما تا بخت کنیم
پیروزی محال است.
برویم تا بنیانهای کهنه را
ویران سازیم.
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است.

در سرگناه اول ماه مه
با اولین طلایه خورشید
آسمان رنگی دیگری گیرد:
رنگ آتش شعله‌ور
رنگ خون کمونارهای جوان
و پیش‌روی ما
جنگی به وسعت آسمان در می‌گیرد.
قیام ما شبردافزار ما ست
و سوسیالیسم پرچم سرخ ما
دوستانه ایمان به هدفی مقدس:
آزادی تمام ستمدیدگان روی زمین
سنگسار کنیم.
برویم تا دشمنان آزادی را
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است.
* * *
چهره تاریخ
برعکس چهره انسانهاست
هر روزی که می‌گذرد
جوان‌تر می‌گردد.
و از فردا
خورشید دیگر
فرداهای دیگر را روشن خواهد ساخت
روزی بزرگ در پیش است
و اینک پیگار،
نزدیک، نزدیکتر، از همین لحظه!
هان، گارد سرخ تاریخ، برپا!
برویم تا تاوان رنجها مان را
مصادره کنیم
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است
از سرودهای کارگران
معدن استوری - اسپانیا

از صف جدا نشو
از راه‌ها زمان
همپای صف قدم بردار،
هر گوشه، هر کناره سنگر ما ست
ما مثل کوهساران پابرجا ایم،
واقیانوس واریهم پیوسته.
و کینه سرما به داران
چون آبی در کاسه سنگی
همواره در دل ما باقیست،
ما از تبار رنجیم،
از دودمان زحمت،
ما پیکهای بهاریم
و سوسیالیسم
بهارتارینخاست.
با زویت را بمن بده
و قلب پر کینه‌ات را
که هم امروز
پیکاری بیرحمانه
به پهنای جهان در می‌گیرد.
حافظه تاریخ اشتباه نمی‌کند
پیکا را ما سرانجام پیروز است
این بنیاد تاریخ را با ورکن.
برویم تا گاو و صندوق را
تیرباران کنیم.
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است.
* * *

* * *

* * *



و شدیدوا حدهای بهره‌برداری نفت در حومه اهواز،
روز ۱۸ مه ما کارگران این واحدها با خواست قطع
جنگ شهرها و تامین امنیت جانی دست‌انکارا رکشیدند.
اعتصاب از یونیت آغاز شد. این واحد هم بدلیل
موقعیت جغرافیایی خود (یک کیلومتری اهواز) هم
به جهت تامین نفت خام با لایشگاه تهران - که از
فعلاترین و بزرگترین پالایشگاههای موجود در کشور
است - به نسبت دیگر یونیتها دارای اهمیت
بیشتر است و به همین دلیل بیش از سایر واحدها هدف
بمباران هواپیماهای عراقی قرار می‌گرفت. در این
اعتصاب مجموعاً حدود ۲۰۰۰ کارگر از واحدها جدا شدند،
تعمیرات و بوسه‌تقویت‌کننده فشار (شرکت داشت
رژیم ابتدا سعی کرد با مذاکره با کارگران و وعده
تا تامین سنگروگان نشین در اطراف واحدها آنها را به سر
کار بازگرداند. علاوه بر این مسئولان رژیم
پیشنها کردند که ساعات کار به شب منتقل شود تا
امکان بمباران منتفی گردد. ولی با مقاومت
کارگران اعتصاب ادامه یافت. رژیم دست‌بسته
قدرت‌نمایی و ارباب زدنشده‌نمود که همه کارگران
را بطور دسته جمعی اخراج خواهد کرد. تشکیلات
سازمان مادر خوزستان علاوه بر تراکتی که قبلاً
از شروع اعتصاب توزیع کرده و کارگران را به
مبارزه برای ملج و افشای جنگ افروزیهای رژیم
فراخوانده بود، در جریان اعتصاب نیز اعلامیه‌ای
در حمایت از خواستهای کارگران انتشار داد.
کارگران واحدهای بهره‌برداری اهواز که با
عزمی راسخ و قصدیافتن راه‌حلی برای تامین جانی
دست‌بسته اعتصاب زدنشده‌نمودند، از روز پس‌کارهای خود
با زگشتند و رژیم تنها تعدادی که نتوانستند
بناگاهها در اطراف واحدها مستقر گردند.

در جریان اعتصاب سازمان ما با بخش اعلامیه‌های
منطقه منتخبین ضمن برشمردن انگیزه‌های اعتصاب
و افشایست‌های فذخلقی و جنگ افروزان رژیم
از کارگران دیگر واحدها خواست که اجازه ندهند
رژیم از آنها بعنوان اعتصاب‌شکن برای تضعیف
مبارزه کارگران خارک استفاده کند. بدین ترتیب
تا کارگران یونیتها حاضر نشده‌بند جزیره خارک رفته
و بجای کارگران اعتصابی کارکنند. اعتصاب خارک
یک هفته بطول انجامید.
به دلیل اهمیت حیاتی کارگران خارک و بویژه
حساسیت کارگران "پدک کش" اعتصاب خارک
برای رژیم فوق‌العاده پراهمیت بود. زیرا در
صورت تعطیل کار پدک کشها سایر بخشها نیز با لاجبار
از کار می‌افتند و صدور نفت قطع می‌شود و قطع صدور نفت
علاوه بر زیانهای ناشی از عدم با رگیری و صدور
ضارات ناشی از دیرکرد، رانیز بر رژیم تحمیل
می‌کند. بدلیل همین موقعیت استراتژیک بود که
رژیم به تصفیه بسیاری از کارگران فعال و
مجازات آنان به اشکال گوناگون پرداخت.
هر چند رژیم جمهوری اسلامی تنها به نصب تعدادی
سنگربیش‌ساخته بتونی در اطراف تاسیسات نفتی
جزیره اکتفا کرد ولی این اعتصاب نیز همچون
پالایشگاه گاز بیدبلند، تا شیروانی و مبارزاتی
قابل توجهی بر روی کارگران خارک و مجموعه
کارگران نفت برجای نهاد.

اعتصاب کارکنان واحدهای بهره‌برداری اهواز
(یونیتها)
در تابستان سال ۵۶ به دنبال بمبارانهای مداوم

خودبا زگشتند و بقیه کار با لکل تعطیل کردند. مرکز
اعتصاب در پدک کشها (تک مترها) بود و اعتصاب نیز
از همانجا آغاز شد. کارگران به صمیمی (رئیس ناحیه
خارک) غلام کورنده که تا مین امنیت بر سر کار
با زبخوا هندگشت و جزیره خارک خواهندگفت رژیم
توجه به اهمیت فوق‌العاده اقتصادی و نظامی
جزیره خارک و همچنین به جهت اهمیت تبلیغی -
روانی اعتصاب، غرضی وزیر نفت و تولایی را به آنجا
اعزام کرد. تولایی پس از مشاهده استوار
اعتصاب کنندگان به تهدید پرداخت. کارگران با او
درگیر شده و قصد داشتند او را به دریا بیندازند که
عوامل سرکوب رژیم دخالت نموده و کارگران
را تهدیدیه اخراج و بازداشت کردند.
اعتصاب خارک علیرغم تهدیدهای رژیم همچنان
ادامه یافت. دادستانی فدائینقلاب با صدور اطلاعیه‌ای
خارک را "منطقه جنگی" نامید و خروج کارگران از آن
را ممنوع اعلام کرد. در اطلاعیه دادستانی گفته
می‌شده در صورت بازگشتن کارگران بر سر کار،
آنان اخراج و زندانی خواهند شد. رژیم علاوه بر
توسل به قوه سرکوب تعداد معدودی از عوامل خود را
بعنوان اعتصاب‌شکن به جزیره کسپل کرد و دست
به دستگیری و ارباب کارگران زد. پرونده ۲۰۰ تن
به دادستانی فرستاده شد و پس از یک هفته ۴۰ تن
اخراج شدند. عده‌ای از کارگرانی که بجم
دادستانی اخراج شدند پیش‌بازگشت به جزیره
را خود تحریم کرده بودند. رژیم در جستجوی یافتن
ارتباطی میان ۴۰ نفر اخراج شده، بیش از دو ماه
پرونده آنان را در دادستانی مورد بررسی قرار داد.

کارگران! برای متوقف کردن سیل اخراج، علیه جنگ پیا خیزید

گسترده باد مبارزه انقلابی معلمان

معلمان هم به دلیل خصلت آگاهان گهرا... حرفشان و هم به دلیل تعلق اکثریت آنان به اقشار زحمتکش و کم درآمد جامعه، در تمام جنبش های انقلابی معاصر تاریخ میهن مان نقش فعالی برعهده داشته اند. از زمان بنیانگذاری "اتحادیه معلمان" در نخستین سالهای دیکتاتور ری رضاخان تا جنبش ملی شدن نفت، و از مبارزات سالهای ۴۱-۳۹ تا انقلاب بهمن، آموزگاران زحمتکش در شهر و روستا در صفوف مبارزات مردمی حضور موثر داشته اند. اتحادیه های معلمان در اشکال گوناگون خود، از جمله شیوه های نمونه وار مبارزه متشکل شده های در بسیاری از این سالها بوده است.

پس از انقلاب بهمن، رژیم آخوندها با فتوای ولی فقیه "مبنی بر اینکه" تزکیه مقدم بر علم است"، شمشیر اسلام را بالای مدارس به چرخش درآورد و "جهاد مقدس" برای "فکرزدایی" در محیطهای آموزشی را آغاز کرد. از جمله نتایج این پورش اوتاجی، اخراج حدود ۳۰ هزار تن از آموزگاران متعدد و دلوز، ایجاد نهادهای جاسوسی مثل آموزشیهتی و انجمن اسلامی برای سرکوب هر حرکت ترقیخواهانه در مدارس، برقراری انواع ضوابط پلیسی - ارتجاعی درگزینش دانشجو برای دانشراها و دانشکده های تربیت معلم و اشاعه انواع خرافه های ضد علمی و ضد بشری در مواد درسی و تبلیغات در مدارس بود.

حققان حاکم بر محیط آموزش و پرورش و عسدم امنیت شغلی، فشار سنگینی را بر معلمان دلوز و متعهد - که اکثریت معلمان را تشکیل میدهند - وارد می آورد. آنها همواره از سوی رژیم تهدید می شوند که: "اگر کسی تفکر ضد اسلام، ضد انقلاب و ضد امام (یعنی تفکر علمی و ضد رژیم فقیه) را در مدارس ترویج کند، او طرد کردنی است." خامنه ای - اطلاعات ۶۴/۱/۲۸

علاوه در مقابل تورم روزافزون و بحران اقتصادی ناشی از سیاستهای ضد مردمی رژیم معلمان با حقوق اندکی که دریافت میکنند، زیر جدی ترین فشارهای مادی هم قرار دارند. در پاسخ به اعتراض معلمان به سطح نازل حقوق شان، رئیس مجلس آخوندها با شایعی می گوید: "یک معلم مسلمان که اعتقاد به آخرت دارد، روی اندوخته های مادی زیاد حساب نمی کند.

اما علیرغم همه تلاشهای رژیم برای آنکه روح روشنگری، بوییدگی و حق طلبی را در آموزگاران خاموش سازد، اعتراضات و مبارزات آنها بویژه ۳-۲ سال اخیر رشد و گسترش یافته است. رهیمایی اعتراضی معلمان حق التدریسی تهران در سال پیش، اعتراضات سال گذشته معلمان در کرمان و بندر لنگه، اعتراضات علنی و آشکار در مدارس، نشانه های رشد مبارزه دوره اخیرند. اکنون معلمان آگاه و ترقیخواه و بویژه معلمان پیشگام باید در سازمانگیری و هدایت این مبارزات نقش فعالتری برعهده گیرند و از معلمان بخواهند تا: در کلاسهای درس و محیط مدرسه و محل زندگی

شان به افشاکاری و کار آگاهانه علیه رژیم خمینی و جنگ خانما سوزی که هستی و آینده مردم و جوانان کشور را تهدید میکند، بپردازند. دروغ های رژیم را در میان نوجوانان دانش آموزان و خانواده ها بیابان افشاکند. نگذارند که با قویب آخوندها، بجه های بیگناه برای "کلیدبشست" و به امید "امدادهای غیبی" روانه قتلگاههای جنگ شوند. در مقابل باج خواهی حکومت از محصلین برای جبهه و کسر حقوق ناچیز معلمان برای جنگ ایستادگی کنند.

- با ورود جهل و خرافات و اندیشه های پوسیده در مواد درسی و خواست ملامها برای تغییر نظام آموزشی در راستای تبدیل مدارس به حوزه های قرون وسطایی علیه مبارزه کنند، با سلاح علم به جنگ و با سگری رژیم بروند، در کلاسهای درسی به اشاعه دانش و تجهیز دانش آموزان به بینش علمی، توضیح دستاوردهای پیشرفت بشر در جهان معاصر، ترویج فرهنگ ملی، ادبیات و تاریخ راستین مبارزات مردم میهن مان بپردازند.

- در مقابل شیوه های ضد پرورشی و بر خوردهای غیر انسانی مسئولین "مکتبی" مدارس بسا نظام آموزان در اعتراض کنند. به دانش آموزان در گسترش مبارزاتشان باری رسانند.

- برای آنکه مبارزه معلمان در راه خواست های سیاسی و صنعتی شان موفقانه پیش برود، باید در راستای پی ریزی شکل های مستقل خود حتی در ابتدایی ترین اشکال آن اقدام کنند. تعاونیهای محرف و مسکن، محافل و دوره های همکاران و حتی گروههای آموزشی در ادارات مناطق می تواند از انواع این شکل ها باشد. انتخاب نماینده برای پیبردن این یا آن خواسته و ایجاد ارتباط با معلمان سایر مدارس در هر منطقه و با مناسبات دیگر برای هماهنگی و تبادل تجربه و بلاخره از زمان دادن حرکات اعتراضی مثل اعتراضات دسته جمعی به ادارات، جمع آوری طومار، تحصن و اعتصاب روندهایی است که با هدایت معلمان با تجربه و انقلابی به شکل های موفقی و پابدار تبدیل میشود.

بارشد ناراضیهای گسترش اعتراضات، هرروزه تعداد بیشتری از آموزگاران به صف مبارزین فعال علیه جمهوری اسلامی می پیوندند. معلمان به مثابه گردان رزمنده ای از صفوف خلق در پرورش نیچای هم مردم متحدند و محنت کشیده میهن مان به بارگاه خلافت آخوندها، همچون گذشته نقش فعال و موثری برعهده خواهند داشت.

از تجارب حزب کمونیست آفریقای جنوبی: کمیته های مردمی و انقلاب ما

مبارزه مابینه نقطه های بسیار قاطع از رشد و تکامل خود رسیده است. یکی از مهمترین رویدادها پیدایش ارگانهای اولیه قدرت مردم، یعنی کمیته های مردمی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی است. این کمیته ها الزاما موجب دگرگونی دموکراتیک در کشور می شوند.

در برخی مناطق این کمیته ها دیگر به اجزای عملکردهای یک دولت مدرن یعنی دادگاههای مردمی، تعلیم و تربیت مردمی و همچنین گسترش ملیشایی مردمی و کمیته های دفاع محلی پرداخته اند.

به عبارت دیگر، امروز در کشور ما قدرتی آلترنا تیبو یعنی یک دولت مردمی در حال ساختن شدن، وجود دارد. برای اولین بار یک نیروی مردمی متشکل که از ملزومات تخریب سیستم آپارتاید است، در آفریقای جنوبی واقعیت یافته است. این امر یعنی آن نیست که میتوان همین فردا به هدف خود برای آزادی دست باقیم. تنها و تنها در صورتی میتوان پیروز شد که این نیروی مردمی متشکل به صورت سطح نیرومندی برای بدست گرفتن قدرت درآید. و این وظیفه تمام انقلابیون است که جسم و روح خود را برای انجام این وظیفه بکار گیرند.

ماهیت سیاسی کمیته های مردمی

این حقیقت دارد که در برخی مناطق این کمیته ها اساسا وظایف اداری را انجام میدهند، اما مهم آنست که آنها را به مثابه ارگانهای سیاسی بنظر می آورند. کاری کنیم اینگونه باشند، یکی از شیوه های حائز اهمیت برای تأمین این امر انتخابات دموکراتیک نمایندگان مردم است.

این نیز حائز اهمیت است که در همه مراحل، امر سیاسی جنبش از ادبش و بر بنا به مبارزه خود را در ردیف مقدم فعالیت این کمیته ها قرار دهیم. این بر بنا به تنها از طریق مبارزه ای بی امان، از طریق یک جنگ انقلابی مردمی علیه سیستم آپارتاید است که میسر خواهد شد. به عبارت دیگر برای این کمیته ها تنها کافی نیست به وظایف سیاسی بپردازند، آن ها باید با جدی خود ارگانهای انقلابی ای که بتوانند نقش اساسی در بدست گرفتن قدرت بسازی کنند، تحول یابند.

کمیته های مردمی ارگانهای انقلابی هستند

این تحول میتواند در دو جنبه دیگر از طریق تأمین شرکت فعالانه طبقه کارگر و سایر یوسنت متشکل ما در این کمیته ها و رهبری بر آن ها انجام گیرد. این امر دارای اهمیت قطعی است زیرا که این طبقه کلیدی برای انقلاب ما را در دست دارد. سرانجام این مسئله در میان سایر مسائل برای کمیته های دارای اهمیت بسیار زیادی است که مراقب خطر این عنا صریب باشند:

- عنا صر فرت طلب که دوست دارند این کمیته ها را با غرق کردن در منجذاب و ظافت اداری، سیاست زدایی کنند.

- عنا صری که متمایل به سیاسی بودن هستند، اما حاضر نیستند خود را در گردا ربا ایده آل بسک افریقای جنوبی آزاد، غیر نژادی و دموکراتیک منطبق سازند.

- عنا صری که دوست دارند کمیته های مردمی را به معامله با عوامل رژیم آپارتاید بیکسازند. برای رفع کشمکش در آفریقای جنوبی، چیزی کمتر از انقلابی سیستم آپارتاید و حق رای همگانی را نمی توان بدبیرفت.

بالاتر از همه، مهمترین وظیفه این کمیته ها گسترش و افزایش خودشان در سرتا سر کشور است. قدرت یک کمیته مردمی، قدرت همه است. موفقیت سریع انقلاب ما بستگی به تشکیل بسط و تکامل و تحکیم این ارگانهای قدرت مردم دارد.

از نشریه "اوم سه بنزی" شماره ۴ سال ۱۹۸۶

کنفرانس ملی به پایان رسیده است. البته طرح چنین مسایلی واقع بینانه نیست... ضرورت بررسی و بازنگری خطاها و انحرافات خط مشی گذشته تصحیح و تکمیل کارهایی که تا کنون صورت گرفته و از همه مهمترین آموختن از آنها همچنان باید بطور جدی ادامه یابد. کنفرانس ملی در سند مصوب خود قید می کند که ادامه سیاست حزب بر پایه اتحاد، انتقاد در برخورد با حکومت و بویژه پس از تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت "یعنی پس از استقرار کامل ولایت فقیه در سال ۶۱ هجری" بی تک خطای اساسی رهبری حزب به شمار می رود. همچنین متذکر می شود "در این دوره (منظور دوره زمانی ۶۰ و ۶۱ است) رهبری حزب موظف بود در اصل "اتحاد و تقویت" تجدید نظر جدی بعمل آورد ضمن اتخاذ خط مشی سیاسی - سازمانی مناسب به تدریج در موضع ایوژیسیون کامل قرار گیرد." این نتیجه گیری ها را نمی توان کامل و پایان یافته تلقی کرد، زیرا در باره اینکه چرا رهبری حزب مرتکب خطا گردید و چگونه میتوان از تکرار آن جلوگیری کرد ساکت مانده است.

پلنوم وسیع سازمان خط مشی سیاسی و بر بنا به در سالهای ۶۰ و ۶۱ "انحراف بر است از مواضع مستقل طبقه کارگر" ارزیابی کرده است اما کنفرانس ملی این قضاوت را پذیرفته است. لذا تبیین صحیح ماهیت روحیات پیرو خمینی اهداف و سمت گیری آن و نقد خط مشی حزب پس از انقلاب همچنان به مثابه یک ضرورت مبرم مطرح است. ما امیدواریم که سند کنفرانس حزب با دید وسیع و همه جانبه مورد بازنگری قرار گیرد و اختلاف نظر میان حزب و سازمان پیرامون ارزیابی از راهی که قسما بطور مشترک طی کرده ایم حل گردد. ما معتقدیم که بررسی، نقادی و درس گیری از تجارب انقلاب بهمن راهگشای غلبه بر ضعف ها و مبارزه پیروزمانده حال و آینده مان است.



برای دستیابی مشترک...

نام مردم همچنین در شماره ۱۳۴ در مقاله "برنا به نوین حزب توسعه ایران را بیا موزیم، جبهه متحد خلق، برخی مبانی تئوری و پراتیک (بخش اول)" می نویسد:

"آنچه جستجوی حقیقت را دشوار و دوستیایی به آن را دشوار ترمی کند اشتباهاتی است که در جریان پراتیک انقلابی کمونیستهای ایران رخ داده است. ارزیابی نادرست و بزرگنمایی مصنوعی ابعاد این اشتباهات که اغلب اجتنابنا پذیر بوده است..."

البته این صحیح است که از بزرگنمایی مصنوعی ابعاد این اشتباهات باید پرهیز کرد و این نیز البته درست است که اوضاع در آن دوره بسیار پیچیده بوده و زمینه برای بروز اشتباهات اجتنابنا پذیر مهیا بوده است اما بهیچ وجه نمیتوان اغلب این اشتباهات را اجتنابنا پذیر خواند. نمیتوان عدم تشخیص درست اهداف، ماهیت طبقاتی و سمت گیری خمینی و پیروان او را اجتنابنا پذیر دانست. کار بست خط مشی و بر بنا به اتحاد و انتقاد از روحانیت حاکم را نمیتوان اجتنابنا پذیر نامید. طرح کلی و نا مشخص درسیاره اشتباهاتی که اغلب اجتنابنا پذیر بوده است "واقعاً جستجوی حقیقت را دشوار تر می کند.

نام مردم مشخصاً مطرح می کند که "بررسی نظریه مارکسیستی و نظریات اصولی حزب توده ایران در این مهمترین عرصه استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی اهمیت تاریخی عظیمی پیدا می کند. بویژه که حزب ما نیز به پیش و دورنا دوش دیگر نیروهای انقلابی با ارزیابی انتقادی تجربه هفت ساله گذشته در انطباق نظریه مارکسیست لنینیستی انقلاب رهاشی بخش ملی بسا شرایط ویژه ایران به طراز بندی تازه ای دست یافته است که در پیرامون مسه نویب مصوب کنفرانس ملی حزب توده ایران انعکاس یافته است." (همانجا)

از عبارات فوق بطور صریح این نتیجه بدست می آید که کار بررسی و نقادی سیاسی و نظری خط مشی و بر بنا به حزب در سالهای یا گذشته با انتشار سند مصوب

هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین

بمباران های وحشیانه شهر های دوکشور، نا امن کردن کشتیرانی در خلیج فارس، تهدید حق حاکمیت ملی کشورهای منطقه و ایجاد تشنج در خلیج فارس را شدیداً محکوم می‌نماییم.

دستان عزیز، انما یبندگن محترم شورای ملی فلسطین! سازمان ما از گذشته های دور تا امروز دوش به دوش نیروهای رزمنده جنبش مقاومت فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم جنگیده است. رفقای آزما درسنگر فلسطین و برای دفاع از آرمان های مقدس خلق شما با افتخار بر سره شهادت رسیده اند. ما امروز نیز خود را در کنار شما احساس می‌کنیم و از مبارزه عادلانه و بیحق خلق فلسطین دفاع می‌نماییم.

ما پشتیبانی قاطع خود را از حق خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خویش، از مبارزات رها نشیختن خلق فلسطین بخاطر اشدن کشور مستقل و ایجاد حکومتی ملی اعلام می‌کنیم. ما از تشکیل کنفرانس بین المللی صلح خاور میانه با حضور شرکت اتحاد جماهیر شوروی دوست وفا دار خلق فلسطین، حافظ وفادار من صلح در جهان و سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین قاطعانه دفاع می‌کنیم. ما از کوشش های وحدت جویانه و خستگی ناپذیری که با هدف یکپارچگی و تقویت سازمان آزادیبخش فلسطین صورت گرفته و می‌گیرد، حمایت می‌نماییم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکبار دیگر تشکیل هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین را که بر اساس منی وحدت طلبانه و فداکاری فلسطینی و ملی سازمان های فلسطین برپا گردیده است، به همه شرکت کنندگان بخصوص سازمان آزادیبخش فلسطین تبریک می‌گوید و برای خلق فهران فلسطین و نیروهای مترقی آن، پیروزی های هرچه بیشتر آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دبیر اول - فرخ نگه‌دار آوریل ۱۹۸۷

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزار می‌کند اجلاس شورای ملی فلسطین را به شما و از طریق شما به همه رزمندگان فهران فلسطین صمیمانه تبریک می‌گوید و برای سازمان آزادیبخش فلسطین و خلق فهران شما در مبارزه عادلانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و برای داشتن شوری مستقل، دولتی ملی و جامعه ای مبتنی بر برابری و عدالت، موفقیت روز می‌کند.

برگزاری اجلاس پراهمیت شورای ملی فلسطین در شرایط حساس کنونی، شانه احساس مسئولیت عمیق نیروهای مترقی فلسطینی و گامی بسیار مهم و رزمند در جهت تامین وحدت سازمان آزادیبخش فلسطین است. مقاومت فهران ما نه فلسطینیان ساکن اردوگاه های لبنان که توطئه های دشمنانه علیه ملت فلسطین را نقش بر آب کرد، یک بار دیگر نشان داد که هیچ نیرویی ای را از شکست ناپذیرانه متحد خلق فلسطین برای آزاد بستن در سرزمین خویش نیست.

هفت سال از ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق می‌گذرد. جنگی که رژیم عراق آغازگران و رژیم خمینی ادامه دهنده آنست مردم ما مخالف جنگ اند و علیه جنگ و جنگ افروزان یا شعار صلح بیکبار می‌کشند، امپریالیسم آمریکا و اسرائیل خواهان ادامه جنگ اند. آمریکا با کمک های تسلیحاتی و اطلاعاتی، طرفین درگیر را به ادامه جنگ تشویق می‌کند.

جنگ و ادامه آن سبب گسترش نفوذ و حضور نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس گردید، استقلال و تمامیت ارضی کشورهای حاشیه خلیج را به خطر انداخته و صلح منطقه و جهان را تهدید می‌کند. ادامه جنگ ایران و عراق در خدمت تضعیف جنبش آزادیبخش خلق عرب و جنبش مقاومت فلسطین و به نفع اسرائیل است. سازمان ما قاطعانه ادامه جنگ و تلاش نادرک رژیم ایران برای شعله ور نگه داشتن آن را محکوم می‌کند.

افغانستان دموکراتیک :

نهمین سالگرد انقلاب ثور گرامی باد

۸ سال پیش روز ۱۷ اردیبهشت ۵۷ زمانی که مردم بیچاره ما با یه های رژیم شاهنشاهی را به سرنگون آوردند و به یاری خود با یاریان حیات سلطنت را رقم می‌زدند، افغانستان رژیم "داوود" توسط نظام میسان انقلابی سرنگون گردید و با یه های با تحقق یک انقلاب مردمی فراهم شد. انقلاب ثور، علیه رزم خیم های با کتگی که دشمنان داخلی و امپریالیسم بر بیکار وارد آورده اند کمک اتحاد شوروی و دیگر رزمندگان جهان آن در برابر دشمنان انقلاب می‌رزد. راه خود را از درون انبوه دشواریهای داخلی و خارجی می‌کشد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان، حاکمیت سبب از انقلاب ثور و سرنگون شدن قدران است که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام تحولات بنیادی جامعه، رسیدن به استقلال واقعی و تحقق عدالت اجتماعی را اساس برنامۀ خود اعلام کرده است و در راه ریشه کن کردن سلطه صدها ساله خانها و فئودالها و عوامل امپریالیسم، شرکت و واقعی مردم در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی سیاسی و تقابل بین برابری و برابری میان خلق هاست، اقدام و فعالیت بی‌شمار گام بر می‌دارد.

ارتجاع داخلی و امپریالیسم آمریکا و نوکران منطقه ای آن که از همان ابتدای انقلاب ثور ثبات و تحکیم جمهوری دموکراتیک افغانستان را با "منافع حیاتی" خود متخاصم دیدند، بویژه اینک که انقلاب ایران تغییرات جدی در توان قوای منطقه ایجاد کرده بود، برای جلوگیری از ادامه حیات افغانستان دموکراتیک و به شکست کشاندن انقلاب ثور تا حتی رادار این کشور را به زنده نگه داشته های آن هنوز مردم بیگناه قربانی می‌گیرند.

حزب و دولت انقلابی افغانستان، برای پایان بخشیدن به جنگ ناخواسته و تحمیلی که تا کنون از سرعت روند تحولات جامعه گام است، همه نیروهای خود را یک جبهه محافه و فراخو اندن ملی، اعلام آتش بس یک جبهه محافه دولت، حتی همه نیروها و شخصیت های سیاسی مخالف دولت، حتی سرکردگان نیروهای مسلح که تا کنون با حکومت جنگیده اند، به ترک مخالفت و محافه و شرکت در دولت ائتلاف ملی، برای انجام تحولات اجتماعی و ساختن افغانستان آزاد با دوستی و همکاری، از جمله تلاش های مهمی است که تحقق آنها راهگشای افغانستان سعادت مند آینده خواهد بود.

تقویت تلاش های دولت افغانستان در راه تحقق آماج های مدنظر سیاست "مخالصه ملی" و وظیفه همه نیروهای مترقی در منطقه و جهان است. بویژه زمانی که امپریالیسم آمریکا بر فعالیت های خود برای تجهیز ارتجاع داخلی و هماهنگی عملیات ضد افغانی با کاستن و جمهوری اسلامی می‌افزاید، مسئولیت نیروهای انقلابی منطقه، از جمله جنبش مترقی ایران در دفاع از افغانستان انقلابی سنگین تر از گذشته می‌شود.

ما در نهمین سالگرد انقلاب مردمی ثور را دیگر از کوشش های ارزشمندی که حزب و دولت انقلابی افغانستان برای ادامه جنگ و تحقق "مخالصه ملی" در راستای تامین سعادت مردم افغان بعمل می‌آورد و در دفاع طعانه حمایت می‌کنیم و پایان جنگ و خونریزی و برقراری آرامش در افغانستان زاردار

کامسامول : گارد جوان نوسازی

۲۶ فروردین بیستمین کنگره اتحادیه لنینیستی را برای جوانان کمونیست شوروی در مسکو گشایش یافت. ۴۸۰۰ نفر به نمایندگی از سوزوی بیش از ۴۰ میلیون کمونیست جوان در کار این کنگره شرکت کردند. کنگره بیستم، یک کنگره عادی نبود. این کنگره در محیطی پر شور و در فضای تحولات انقلابی و عمیقی که اینک اتحاد شوروی از سر میگذراند، برگزار گردید. مسئله اساسی کنگره بررسی نقش و مقام کامسامول لنینیستی در مرحله کنونی رشد و تکامل جامعه شوروی و سیاست دموکراتی سوسیالیستی و چگونگی شرکت آن در امر بازسازی بود.

در دو روز کنگره، گارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، مشی حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به جوانان و وظایف کامسامول و همه جوانان شوروی را در امر نوسازی مورد بررسی قرار داد. گارباچف جوانان شوروی و کامسامول را به شرکت فعالانه در روند نوسازی، در گسترش دموکراسی سوسیالیستی، علنیت و مبارزه با بوروکراتیسم فراخواند. او گفت " امروز کامسامول باید گارد جوان نوسازی باشد."

گارباچف تاکید کرد، حزب در جهت گشودن افقهای تازه، دادن میدان استقلال به جوانان، ایجاد کلیه شرایط برای شرکت توده ای آنان در روند نوسازی و دموکراتیزاسیون جامعه و بهبود وضع و تامین اجتماعی جوانان، گام بر خواهد داشت. رهبر شوروی از جوانان خواست در مدرنیزاسیون اقتصاد، تلفیق دستاوردهای انقلاب علمی - فنی با برتریهای سوسیالیسم و فراگیری دانش و فرهنگ فعالانه تر از پیش مبارزه کنند. گارباچف گفت: " کامسامول بنوبه خود میتواند و باید پیشاپیش راهیهای بسوی دانش حرکت کند." او خطاب به جوانان گفت: " باید هیچکس را آرام نگذارید" و " به همه کارکنان شوروی کار داشته باشید.

کنگره یکصد از رهنمودهای رهبر حزب پشتیبانی کرد. در قطعنامه پایانی کنگره کامسامول ها و همه جوانان شوروی به پشتیبانی فعالانه از مشی حزب و به اجرای همه جانبه مصوبات کنگره ۲۷ ویلنوم ژانویه ۱۹۸۷ فراخوانده شدند. در قطعنامه گفته شد که " کامسامول با شرکت در نوسازی، خود نوسازی میشود. کنگره همچنین تصریح شد که بین جنبه دموکراتیک کامسامول و شیوه های کهنه شده بوروکراتیک رهبری هنوز تضاد وجود دارد. کنگره برای رفع این تضاد متن جدید اساسنامه را تصویب کرد. تغییرات جدید در اساسنامه اساساً متوجه گسترش حقوق سازمانهای کامسامول و پیشبرد دموکراسی و تشویق ابتکار در میان جوانان است. کنگره ۲۱۴ هئیت نمایندگی از ۱۱۳ کشور جهان در راستای مناقصه خلق های منطقه از جمله مردم میهن ما می‌نماییم. بگذار تا آفتاب صلح و سعادت در آسمان افغانن، کشور همسایه ما تابناک گردد. پیروزی مردم افغان، آرامش و رفاه آنان، آزادی زحمتکشان ایران و الهام بخش مبارزه شان علیه ارتجاع ها را بران است."

کنگره بیستم کامسامول لنینیستی شرکت کردند. هئیت نمایندگی سازمان جوانان پیشگام ایران نیز در این کنگره شرکت داشت. مسئول هئیت نمایندگان در جوانان سخنرانی خود همستگی انترناسیونالیستی جوانان ایران با جوانان شوروی و کنگره بیستم کامسامول لنینیستی را اعلام داشت و ضمن افشای جنابیات رژیم خمینی نسبت به مردم و جوانان ایران از همبستگی انترناسیونالیستی، جوانان شوروی با مبارزات جوانان ایران قهرمانی کرد. نماینده سازمان جوانان پیشگام ایران سخنرانی خود تاکید کرد: " جوانان ایران با اشتیاق بسیار به روند نوسازی و تسریع رشد اقتصادی - اجتماعی و ارتقاء جامعه شوروی به سطح کیفیتا نوبن و عالی رشد سوسیالیستی می‌نگرند. ما اطمینان داریم که رشد عظیم صنعتی و علمی و دستاوردهای سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی جامعه شوروی به شما امکان میدهد که رشد پرشتاب بسوی جامعه شکوفای کمونیستی را به پیش برید."

گفتا بین هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین

سی و یکم فروردین هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در الجزایر برگزار خود را آغاز کرد. در این اجلاس که پس از هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین منعقد در آن که بسیاری از نیروهای فلسطینی در آن شرکت کردند تشکیل میشود، ۶ سازمان عده عضو شرکت دارند.

تشکیل هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین از این نظر حائز اهمیت است که پس از ۴ سال اختلاف نظر مابین گروههای عده عضو PLO بصورت متحدی شرکت سازمانهای الفتح، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست فلسطین، جبهه آزادی فلسطین و جبهه آزادی عربی تشکیل می‌گردد.

بر اساس موضعگیری و محافه های رهبران فلسطین موافقت اصول پیرامون لغو موافقتنامه امان که یکی از اساسی ترین اختلافات گروههای نامسرده طی ۴ سال گذشته بوده است صورت پذیرفته و امید می‌رود که اجلاس هجدهم شورای ملی فلسطین در ایجاد وحدت و دستیابی بر خط، و منی واحد موفقیت کسب نماید.

عده ترین مطلبی که در دستور کار اجلاس الجزایر قرار دارد، بررسی دستیابی PLO به سیاستی روشن جهت شرکت در کنفرانس صلح خاور میانه، تدوین مشی PLO برای مبارزه آتی، و اطلاعاتی چند در عرصه مسائل سازمانی است. اجلاس هجدهم شورای ملی فلسطین روز ۳۱ فروردین با شعار هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، اجلاس وحدت ملی، اجلاس مقاومت اردوگاه های فلسطین و توده های سرزمینهای اشغالی افتتاح خواهد شد.

بدعت سازمان آزادی بخش فلسطین، هیات نمایندگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اجلاس شورای ملی فلسطین شرکت دارد.

پیام احزاب برادر و سازمانهای مترقی

به مناسبت سالگرد بنیانگذاری سازمان

۱۹ بهمن، شانزدهمین سالگشت تولد سازمان ما عرصه پرشکوهدیگری از همبستگی احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان بسا فدا شیان خلق بود. پیام های تبریکی که به همین مناسبت از سوی احزاب برادر سازمانهای انقلابی و ترقیخواه و صلح دوست خطاب به فدا شیان خلق و برای کمیته مرکزی سازمان ارسال شده است، بسا نکو بیشتیبانی میلیونها تارگر و زحمتکش در چهار گوشه جهان از مبارزات مردم ایران علیه رژیم خمینی است.

ما ضمن سپاسگزاری از کلیه احزاب و سازمانهای که با ارسال پیام همبستگی و پشتیبانی خود را از مبارزات مردم ایران اعلام کرده اند، نام برخی از آنان را در این شماره درج می کنیم:

حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست آلبانی، حزب سوسیالیست استرالیا، حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست چین، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست پاکستان، حزب کمونیست دانمارک، حزب سوسیالیست چسب دانمارک، حزب سوسیالیست مردمی دانمارک، حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست نیپال، جنبش حزب انقلابی نیپالی (میر)، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست کانادا، حزب مترقی خلق کانادا، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، حزب سوسیالیست انقلابی هندوستان، جبهه سراسری پیشرو هند، حزب کمونیست هلند، کنفدراسیون ایتالیایی عمومی کار، سازمان صلح و صلح سلاح ایتالیا، شورای صلح بریتانیا، شورای صلح آمریکا، شورای همبستگی فیلیپین، جنبش آزادیبخش بلوچستان (پاکستان)، کمیته همبستگی ضد امپریالیسمی آفریقا، آسیا و امریکای لاتین، سازمان جوانان حزب کمونیست دانمارک، سازمان جوانان حزب سوسیالیست استرالیا.

پیروزی کمونیست های هند

جبهه چپ و دموکراتیک هند که حزب کمونیست هندو حزب کمونیست هند (مارکسیست) نیروی عمده آن را تشکیل می دهند در انتخابات اخیر که روز ۲۲ مارس در سراسر هند برگزار گردید به پیروزیهای چشمگیری نایل آمدند. جبهه چپ و دموکراتیک با احزاب اکثریت کرسیهای مجلس دروا بابت بر جمعیت سنگال غربی و کرا لاوسیز در یک ایالت تازه تاسیس بنام "آرنا چال" در منطقه مرزی بین چین و هند، بر حزب کنگره، حزب حاکم و نیروهای دست راستی فائق آمد.

پیروزی قاطع "جبهه چپ و دموکراتیک" در این دوران انتخابات، مخصوصا برای حزب کنگره هندو را حیوانندی نخست وزیر هند یک شکست جدی است. رای جوگاندی اندکی قبل از انتخابات اعلام کرده بود که ما باید هم اکنون این جبهه سرخ را برانگیزیم و کنگره بعدها هیچگاه از عهد آن سرخوایم آمد. نتایج انتخابات نشان داد که بویژه ای دهندگان در گوالا و بنگال بین دنیویروی اصلی رقیب در انتخابات یعنی حزب کنگره و "جبهه چپ و دموکراتیک" قطب بندی شده اند، مردم زحمتکش این دو ایالت با دادن رای به جبهه، اعتماد خود را به احزاب شرکت کننده در جبهه اعلام داشتند. پیروزیهای جبهه خودبا اعتماد است که تعداد طرفداران آن در بسیاری نواحی بویژه مناطق روستایی افزایش یابد. جبهه چپ و دموکراتیک بسا توجه به اعتمادی که توانست در این ایالات بدست آورد می رود تا جایگاه واقعی خود را در میان مردم هندوستان احراز کند. موقعیت بدست آمده و نتایج حاصله از آن و اعتمادی که مردم به جبهه کرده اند عزم احزاب درونی جبهه بویژه کمونیستها را به ادامه مبارزه برای کسب موفقیت جدید در درجه معارضه ترک کرده است.

ما موفقیت های اخیر حزب کمونیست هند و حزب کمونیست هند (مارکسیست) را که شمره فدا لیت و نتیجه کار بست متکی درست و آرزنده احزاب نیروهای چپ و دموکراتیک است، مصیمانه نادیده می گذاریم و امیدواریم که این پیروزی را به گشای پیروزیهای بزرگتر برای کمونیستهای هند در جهت تحقق منافع واقعی مردم سراسر هند در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم باشد.

بیاد شهیدان فروردین

سپیده سیام فروردین در تپه های اوین تغییر گلبه های آسمان سحر را شکافت و هفت فدا شیان قهرمان، از زهر بران و بنیاد نگذاران سازمان ما و در کنششان دو مجاهد خلق به خاک افتادند. رفیق بیژن جزینی و رفقا حسن ضیا ظریفی، محمود جویا نژاد، سعید مشغوف کلانتری، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار و عباس سورکی با عزم و روزم خویشتن سازمان فدا شیان خلق را با فدا کنندگی و بسا مسرگ قهرمانانه خویشتن ست و فدا شیان را تا آخر به آرمایندگی های سازمان، به آرمایندگی های طبقه کارگر و توده های رنجبر را شکوفا و شکوفا تر ساختند.

وقتی عملیات بسیا هکل آغاز شد، سه سال از ابارت رفیق بیژن می گذشت. دشمن که به نقش هدا یکنگرا و در حیات سازمان واقف بود، وی را از زندان مقیم تهران منتقل کرد تا از نزدیک مراقب فعالیت او باشد و عرصه کار را برای او تنگ کند، اما بیژن معتقد بود انقلابی شانه زنده است با پیدر کار آموختن و عمل با اندوختن آن خود و در گانه نبرد است. او می گفت: "اگر ما عزم مبارزه داشته باشیم حتما راههای آن را هم می توانیم پیدا کنیم". بسا این درک بود که او بیاری بسا پسر هم روزمانش بویژه رفیق حسن ضیا ظریفی، زندان را به دانه ها و تنگ ها تبدیل کرده و خود به سر مشق شایسته هرا از انقلابی در بند و مشغول آنها مبارزان در دفاع از سازمان خویشتن تبدیل شد. رفیق بیژن جزینی با کار و بیگاری انقلابی خود در زندان، فرهنگ و سنت مقاومت زندان بسا بسا را قننی تر کرد، او بسا استفا ده از همه وقت و امکانات تا چیز زندان را لحظه ای اسارت را نیز فتح کرد و بسا جمع بست افکار، تجارب و حاصل مطالعات خویشتن در قالب جزوات و کتابهای که به خارج از زندان راه می یافت، نقشی برجسته در هدا یات و ارتقا سازمان ایفا کرد. تا کید رفیق بیژن بر ضرورت فعالیت سیاسی

توطئه سکوت رژیم رادرم شکیم

حزب توده ایران اعلام کرده است که از سر نوشت رفقا عبدالحسین آگاه، علی گلایز، حیدر مهرگان و کاکیک آوانمیان که به بیش از چهار سال پیش در اثر بیوشن تا جوامع مردمانه رژیم خمینی به حزب بسا زدا شت شده و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند، هیچگونه اطلاعی در دست نیست. رژیم چنانکتا خمینی تاکنون از اسرار هرگونه خبری دربار سر نوشت این رفقا امتناع کرده و بسا توطئه سکوت و دیلان خود، نگرانی نسبت به سر نوشت آنها را برانگیخته است.

آخوند خا که در سرگوب مبارزات حق طلبانه مردم ایران، اختناق و آزادی کشتی و شکنجه و اسدام شریف ترین فرزندان انقلابی خلق گوی سبقت را از هم برده اند و بسا یاری کار رتا آنتان بسا و ننگین است، رژیم که از دست بسا زبانه و دیلان ترین شیوه های تفتیش عقاید، اختناق و شکنجه نیروهای مترقی بسا بویژه انقلابیون کمونیست ایران ندارد، مذبوحانسه می گوید بسا توسل به این جنایات چندصا حی بر عمر شنگین خود بسا فزا بد.

منتشر شد

- شماره ۱۴ (اسفند ۱۳۶۵) نشریه "موزشایی از انقلاب و سوسیالیسم" با مطالب زیر منتشر شد:
۱- نخستین انقلاب خلقی دوران امپریالیسم و ادیم زاکلادین
۲- مراحل انقلاب ما از اسناد حزب کمونیست افریقای جنوبی
۳- تجربه تاریخی انقلاب کوبا: جوانب عام و خاص
۴- اتحاد علیه استبداد: راهها و اشکال مبارزه لسی کوروا لان، دبیرکل حزب کمونیست نیپال
۵- بحث و تبادل نظر پیرامون مبارزات ایدئولوژیک سا نترالیسم دموکراتیک
۶- گذشته و ما: ی. آفاناسیف

در میان توده ها و آراشه تحلیل های واقعا گریبان در مورد شرایط عمومی ایران و اشکال سیاسی و مناسبت مبارزه، بشیرات بسا رعمیقی در سازمان برجسا؛ گذاشت. توجه بیشتر به فعالیت در مبارزات رگسری و توده های سازمان بعد از سال ۵۴، از نتایج مستقیم تا شبر نظرات و در سازمان بود. بسیژن همه دانستند و آگاهی خویشتن را برای تقویت فضای سیاسی و تربیت کارهای انقلابی بسا ر بست. تجربه تلخ از دست رفتن رهبری سازمان، که در آن زمان در سیمای رفیق جزینی و یارانش ششمین می یافت، در ضربات سالهایی بعد بسا زهم تکرار شد، اما فدا شیان هر بسا مصمم بسا بسا خاستند و تجربیات گذشته توده را آینه شده بسا رژیم افریقای جنوبی خمینی نیز بسا یی خام بسا بسا سازمان را در سر می پروراند، اما فدا شیان شکنجه گاه های خمینی را نیز فتح کردند. بسیت های آفاناسیف بسا سرود را "رضیها"، "غیرانیها"، "خیشمیها"، "میشنه ها" و "شیداگان" و دیگر گاریان قهرمان ما زمزمه کرده اند. آخرین در ستام زندگانی انقلابی بیژن و یارانش بسا شها دشتان رقم خورد. میراث انقلابی شهیدان فروردین آشین بسا یداری در بار بردشمن، بسا بسندی بسا و ره های علمی و مردمی، روحیه بیگاری و جوشی و امید به آینده، سنت گرامی سازمان ما ست که در مقاومت هر روز فدا شیان در شکنجه گاه های رژیم، در مبارزه بسا بیگاری در آگاه می و تشنگی کارگران و زحمتکشان و بسیژن و یان بسا بسه پیروزی بسا داشته می شود. آتش عشق که در جان بیژن شعله ور بود، بسا آموختن میراث های انقلابی او از بسینه هزاران فدا شیان دلبر شعله می کشد. یاران بسیژن این آتش را بسا می دانه. چرا که برای فتح فدا و بسا یی گذرا از بسا شها بدینور افشانی مشعل فدا را در استواری گامها بسا در عمل انقلابی و شویاری و تسلیم ناپذیری در برابر دشمن، نگهبان بسا شیم.

سربازان وظیفه! ارشیان آگاه! بسیجیهای مخالف جنگ! راه دستیابی به صلح، تنها تشدید مبارزه است. جبهه ها را به میدان تبلیغات ضد جنگ و ضد رژیم تبدیل کنید. در عملیات و حملات شرکت نکنید. اخبار مقاومت پرستار مبارزه زحمتکشان در راه صلح و آزادی را در دستگیرها بسا ش کنید. با نزدیکترین و مطمئن ترین دوستان خود هسته های کوچک تا ۳ نفری و کا ملامخفی را تشکیل دهید و فعالیت انقلابی را در جبهه ها و بسا دگانه گسترش دهید. سازمان فدا شیان خلق ایران (اکثریت)

با کمک مالی سازمان رایاری کنید!

اعفاء، هواداران و دوستان سازمان بسا بیگاری مقدس ما برای اینکه بسیژن با ستانی ما، همیشه آزادا بد، همیشه نوروز و بسا یان بسا تشنه تلاش همه ما برای بسیج همه امکانات و بسا رگیری جدا گشتر توانمان بسا زنداست. سازمان ما برای آنکه مبارزه علیه جنگ و رژیم تپیکا را در همه جهات گسترش دهد، بسا زندگیک مالی شماره های گرامی است. در روزهای نوروزی، رفقا و دوستان را بسا بسا زما لسی سازمان، بسا ضرورت کمک مالی به فدا شیان خلق ایران آگاه کنیم!

در روزهای نوروزی با گردآوری کمک دوستان و آشنا یان، مبارزه مقدسان را نیرومندتر بسا زیم.

آدرس: Pf. 10 1091 WIEN AUSTRIA
اتریش
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!